

جمکرانیہ ۲



مسجد مقدس جمکران

سخنرانی مراجع بزرگوار و علمای اعلام
در مراسم نیمه شعبان مسجد مقدس جمکران



شعبان المعظم ۱۴۲۸

شهریور ۱۳۸۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲

جمکرانیہ

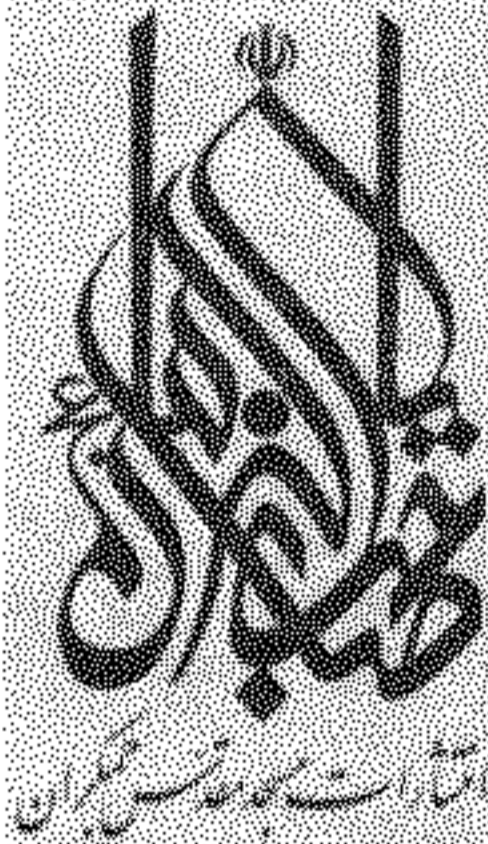
سخنرانی

مراجع بزرگوار و علمای اعلام

در مراسم نیمه شعبان مسجد مقدس جمکران

نیمه شعبان ۱۴۲۸ هـ.ق

شهریورماه ۱۳۸۶ هـ.ش



۲ جمکرانیہ

سخنرانی مراجع بزرگوار و علمای اعلام
در مراسم نیمه شعبان مسجد مقدس جمکران
نیمه شعبان ۱۴۲۸ هـ ق / شهریور ماه ۱۳۸۶ هـ ش

تهیه و تنظیم: مسجد مقدس جمکران
ویرایش، طراحی و صفحه آرایی: محسن فصاحت
طراحی جلد: امیر افضلی
ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران
چاپ اول: زمستان ۱۳۸۶
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۳۴-۶

کلیه حقوق، محفوظ است.

روابط عمومی مسجد مقدس جمکران

تلفن و نمابر: ۰۲۵۱-۷۲۵۳۴۱۷

صندوق پستی: قم/۳۱۳

Email: info@jamkaran.info

فہرست

● پیش گفتار

موقعیت والاو جایگاہ رفیع مسجد مقدس جمکران / ۷

● بخش اول

سخنرانی حضرت آیت اللہ العظمی مکارم شیرازی / ۱۵

● بخش دوم

سخنرانی حضرت آیت اللہ العظمی صافی گلپایگانی / ۳۱

● بخش سوم

سخنرانی حضرت آیت اللہ العظمی سبحانی / ۴۱

● بخش چہارم

سخنرانی حضرت آیت اللہ امامی کلینی / ۵۵

● بخش پنجم

گزیدہ سخنرانی حجّت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی / ۷۵

● بخش ششم

سخنرانی حجّت الاسلام والمسلمین صدیقی / ۷۹

پیش گفتار

موقعیت والا و جایگاه رفیع مسجد مقدس جمکران

مسجد مقدس جمکران، در ناحیه شرقی شهر مقدس قم واقع شده و در حال حاضر، فاصله چندانی با شهر ندارد. این مکان مبارک، همواره مورد عنایت خواص از شیعیان و دوستان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) بوده و ملجأ بی پناهان، مأمن گرفتاران و محل راز و نیاز مشتاقان ارادتمند به ساحت مقدس امام عصر، خاتم اوصیاء (علیه السلام) به حساب می آمده است.

با تأسیس حوزه مبارکه علمیة قم توسط مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (قدس سره) در سال ۱۳۴۰ هـ. ق و مهاجرت طلاب، مدرّسین و فضلاء از سراسر کشور به این حوزه مقدسه، مسجد مقدس جمکران درخشندگی خاصی پیدا کرد و ستارگان آسمان علم و فقاہت، با تشویق و راهنمایی بنده مخلص پروردگار، عارف دین باور و مجاهد نامدار، عالم ربّانی آقای حاج شیخ محمدتقی بافقی (رحمته الله) برای کسب نور از خورشید تابناک ولایت و تجدید عهد با قائم آل محمد (علیهم السلام)، به این مکان مشرف شده و ضمن انجام دادن مراسم نیایش و عبادت، با توسّل به آن حضرت، به مقاصد عالیّه خود نائل می شدند.

آن گاه که مولایمان حضرت مهدی (علیه السلام) دستور بنای این مکان مقدّس را صادر کردند، در ارتباط با آن، به حسن بن مُثله جمکرانی فرمودند: «این زمین شریفی است که حقّ تعالی آن را از زمینهای دیگر برگزیده است... به مردم بگو بدین مکان رغبت کنند و آن را عزیز بشمارند.»

این تعبیرات نورانی، قداست و موقعیت مسجد را از جهات عدیده مشخص می کند:

۱. فضیلت و شرافت این زمین بر مکانهای دیگر.

۲. دعوت به رغبت مردم برای تشرّف به آن.

۳. تشبیه عبادت در این پایگاه، به نماز در کعبه معظمه.

و کمتر مکانی وجود دارد که درباره آن، این توصیفها به کار رفته باشد؛ لذا مسجد مقدّس جمکران، نزد علمای بزرگ شیعه و مؤلفین گران قدر و مبلغین بلندآوازه و بندگان وارسته پروردگار، موقعیت ممتازی داشته و همواره ملجأ و پناه آنان، به هنگام احساس نیاز به دستگیری در رسیدن به کمالات و حلّ مشکلات، به شمار رفته است.

عالم و عارف بزرگوار و معلم اخلاق، حضرت آیت الله بهاء الدینی (رحمه الله) می فرمودند: «هر گاه مشکلی برای حوزه علمیه قم و مؤسس محترمش، حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، پیش می آمد، با تشرّف عالم ربّانی حضرت آیت الله بافقی به مسجد مقدّس جمکران، برطرف می گردید.»

مراجع تقلید به این پایگاه عظیم تشیع، اهتمام ویژه ای مبذول می داشتند و چه بسا فاصله شش کیلومتری قم تا جمکران را همواره با پای پیاده و با قلبی آکنده از عشق و ارادت به حضرت بقیه الله الأعظم (ارواخنا فداء) طی می کردند. آیات عظام همچون سید محمد تقی خوانساری،

شیخ مرتضی حائری یزدی، حجت کوه کمره‌ای، اراکی، مرعشی نجفی، بهجت، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی، مقام معظم رهبری و بسیاری از مراجع و علمای بزرگ و مدرّسین عالی مقام، خاطراتی از عنایات حضرت بقیة الله (ارواحنا فداء) به این مکان مبارک و قداست آن دارند که ذکر آنها در این نوشته مختصر، میسر نیست.

بر همین اساس، اشتیاق و علاقه وافر قشرهای مختلف، به خصوص جوانان، برای تشرّف به این مکان شریف و راز و نیاز با خداوند متعال و توسّل به وجود مبارک مولایشان حضرت ولی عصر (ارواحنا فداء) غیرقابل توصیف و بی سابقه است. برابر آماري که هم‌اکنون در دست داریم، تعداد زائران و مسافرانی که در سال گذشته به مسجد مقدّس جمکران مشرّف شده‌اند، از مرز شانزده میلیون نفر می‌گذرد و حدود ۸۰ درصد این جمعیت را جوانان تشکیل می‌دهند.

نورانیت، معنویت و جذّابیت این بنای مبارک، به گونه‌ای است که یکی از مراجع بزرگ تقلید می‌فرماید: «هر کس در فضای ملکوتی آن قرار گیرد، احساس روحانیت عجیب و جاذبه معنوی فوق‌العاده‌ای می‌کند. این جاذبه نیرومند و معنوی، به اضافه قضاء حوائج و حلّ مشکلات فراوان مردم، از عبادت در آن و توسّل به حضرت مهدی (علیه السلام) نشئت گرفته و سبب شده که روز به روز، بر شکوه آن افزوده شود و سیل مشتاقان از سراسر کشور، به سوی آن بشتابند و از این سرچشمه کوثر و منبع خیر و برکت، هر کدام به قدر استعداد خویش بهره‌گیرند. علمای بزرگ، همواره برای این مسجد، احترام خاصی قائل بوده‌اند و در آن، راز و نیاز فراوان داشته‌اند و هم‌اکنون نیز مورد توجه علما و مراجع است.»

استاد الفقهاء و المجتهدین، حضرت آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی (رَحِمَهُ اللهُ) که الگوی تقوا و فضیلت بودند، نسبت به مسجد مقدس جمکران عقیده خاصی داشتند و آن را از آیات باهرات عنایت آن حضرت می‌دانستند.

عالم ربّانی، آیت‌الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی (متوفای ۱۳۴۸ ه.ق)، صاحب کتاب شریف مکیال المکارم، مسجد مقدس جمکران را یکی از مکانهایی دانسته که دعا در آن، مورد تأکید قرار گرفته است.

مورخ مورد اعتماد و محقق متبّع و عالم عامل، صاحب انوار المشعّشعین (متوفای ۱۳۳۵ ه.ق) می‌فرماید: «یکی از مواضع مشرفه و مساجد مقدسه، مسجد مقدس جمکران است که در قم واقع شده است و حضرت حجّة بن الحسن (عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ الشَّرِيفَ) را در آن مقام دیده‌اند و امر به بناء مسجد نموده؛ و چقدر از آیات الهی و معجزات و فوائد و کرامات دیده‌شده که باعث حیرت است.»^۱

اخیراً با اهتمام و موافقت مقام معظم رهبری (مُدَّ ظِلُّهُ الْعَالِی) نقشه جامع این مجموعه فرهنگی-عبادی آماده شده و امیدواریم با ادعیه زاکیه حضرت بقیة الله (ارواحنا فداء) و همکاری عاشقان و ارادتمندان به آن بزرگوار در سراسر کشور، مراحل اجرایی آن آغاز گردیده و تکمیل شود.

در حال حاضر، پشتوانه مالی مسجد، نذورات و هدایای پُربرکتی است که از ناحیه برادران و خواهران گرامی به مسجد اهدا می‌گردد. انتظار داریم با ترویج و گسترش فرهنگ وقف، تعظیم شعائر دینی و اقبال مردم شهیدپرور

۱. مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۴۴۲.

به معنویت و عبادت، این مکان شریف، جایگاه واقعی خود را پیدا کند و موجبات آگاهی و آشنایی عموم شیعیان با معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) را فراهم آورد.

تشرّف به مسجد مقدّس جمکران و تمسّک به ذیل عنایات حضرت امام‌زمان (علیه‌السلام) به فرموده مقام معظم رهبری (دام ظلّه)، باید منشأ تحوّل روحی و کمال نفسانی شود و عشق و علاقه جامعۀ را به مظاهر معنوی و فضایل اخلاقی، هر چه بیشتر تقویت نماید و به راستی، حقیقت انتظار و ویژگی منتظران واقعی، چیزی جز این نمی‌تواند باشد.

از عموم برادران و خواهران در سراسر کشور اسلامی تقاضا داریم پیشنهادها، انتقادات و راهنمایی‌های خود را برای ما ارسال کنند تا بتوانیم وظیفه خود را آن‌طور که مورد رضایت خداوند متعال و مولایمان حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) است، انجام دهیم.

تولیت مسجد مقدّس جمکران

ابوالقاسم وافی

بخش اوّل

سخنرانی
حضرت آیت الله العظمی
مکارم شیرازی

سخنرانی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِه نَسْتَعِينُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ
عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْضُومِينَ، لَا سِيَّمَا بَقِيَّةِ اللَّهِ الْمُنْتَظَرِ أَرْوَاحُنَا فِدَاؤُهُ؛
وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ
كََمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ
لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^۱

قبل از هر چیز، لازم می‌دانم این ایام مبارک و این شب نیمه شعبان و
میلااد مسعود و مبارک امام زمان (أرواحنا له الفداء) را که با شب چهارشنبه
هم مصادف شده‌است، به همه شما عزیزان تبریک عرض کنم. کسانی که

۱. خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده که قطعاً آنان را
حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت [روی زمین] را بخشید؛ و دین و آیینی
را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل خواهد کرد،
[آن چنان] که [تنها] مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند کرد. سورة النور، آیه ۵۵.

از راه‌های دور و نزدیک، از داخل و خارج کشور، از تمام قشرها مخصوصاً شما جوانان عزیز که امشب به عشق مولا به اینجا آمده‌اید و انتظار دارید که آن حضرت هم عنایتی نسبت به شما داشته‌باشد، این میلاد را به همه شما تبریک عرض می‌کنم؛ و امیدوارم که با دست پُر، از خانه امام زمان (عج) به سلامت به وطن‌هایتان بازگردید و امیدوارم همه ما هر چه زودتر به دیدار جمال بی‌مثالش نائل شویم؛ و امیدوارم کسانی که به عشق آن حضرت و برای تقاضای شفاعت او در پیشگاه خدا، برای حل مشکلاتشان، برای درمان بیماری‌هایشان و برای قضاء حوائجشان به اینجا آمده‌اند، همه با حاجات روا شده، *إِنْ شَاءَ اللَّهُ* به خانه‌هایشان بازگردند.

عرایض من در سه بخش، فشرده و خلاصه می‌شود: اول، بشارتی از قرآن مجید درباره ظهور آن حضرت؛ دوم، مطالبی فشرده درباره این مسجد جمکران؛ و سوم، هشدار به گروه‌های مختلفی که ممکن است در دام شیادان بیفتند.

اما درباره قسمت اول، قرآن مجید در آیه ۵۵ سوره نور، بشارت و اشارت به ظهور آن حضرت (عج) کرده‌است. خداوند به کسانی که ایمان دارند و عمل صالح می‌کنند، چهار وعده داده‌است.

وعده اول، حکومت جهانی است: *«لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»*؛ واژه «ارض» تمام کره زمین را فرا می‌گیرد و شامل تمام معموره جهان می‌شود. خداوند به مؤمنان صالح‌العمل، وعده خلافت روی زمین را داده‌است.

و اما دومین وعده: *«وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ»*؛ وعده دوم این است که خدا دینی را که مایه امنیت و آرامش و صلح و صفا و اتحاد

و محبت و دوستی و صدق و امانت است، این دین الهی را پابرجا می کند؛ یعنی این دین فقط بر روی زبانها و در کتابها و شعارها نخواهد بود؛ بلکه در جامعه انسانی با تمام شاخ و برگش پیاده می شود. معنای جمله «و لِيَمَكِّنَنَّ» همین است.

و اما سومین وعده: «و لِيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»؛ بعد از آنکه ترس و ناامنی بر اثر جنایت جنایتکاران و جباران و ظالمان سنگدل بر جهان حاکم شده است، امنیت همه جا را فرا می گیرد. سلاحهای کشتار فردی و کشتار جمعی، سلاحهای مرگبار، سلاحهای شیمیایی، همه اینها برچیده می شود و ثروتهای هنگفتی که خرج این سلاحهای مرگبار می شود، در مسیر عمران و آبادی جهان و زدودن فقر از مستمندان به کار گرفته خواهد شد.

و اما وعده چهارم: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ هدف نهایی خلقت، پرورش بندگان خدا و عبادت پروردگار و قرب به پروردگار و صفای روح و جان و آماده شدن برای زندگی آخرت است. این عبادت و بندگی خالص، در آن محیط و در آن فضای امن و آرام حاصل می شود. این بشارتی است که در آیه پنجاه و پنجم سوره نور، به همه مؤمنان صالح العمل داده شده است.

اگر دنیا بخواهد روی امن و امان را ببیند، چقدر حساب شده است که اول باید حاکمان، افراد مؤمن و صالح باشند. در دنیای امروز، بدترین انسانها بر بخش عظیمی از جهان حکومت می کنند؛ افراد بی رحم، سنگدل، بی ایمان، جنایتکار، آدم کش، دنیا پرست و مقام پرست، بر جهان حکومت می کنند. زمانی دنیا آباد می شود و روی امن و امان را خواهد دید که مؤمنان صالح العمل یعنی «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» حاکم بر آن بشوند.

جالب توجه این است که قرآن مجید از قوم و ملت خاصی سخن نمی گوید؛ بلکه می گوید خلیفه روی زمین، مؤمنان صالح العمل خواهند بود؛ چه عرب باشند و چه عجم؛ شرقی باشند یا غربی. خود این امر، اشاره به حکومت جهانی است؛ چون قومیت خاصی در این آیه مطرح نیست؛ از هر نژاد و از هر قوم و ملتی که می خواهند باشند، تنها شرطش ایمان و عمل صالح است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛ هیچ قید و شرط دیگری ندارد و همه نژادها، همه اقوام و ملیت‌ها را شامل می شود. این بشارتی است که قرآن مجید به ما داده است.

در تفسیر این آیه شریفه، تصریح به ظهور حضرت مهدی، امام زمان (ارواحنا فداه) هم شده است و در ضمن به ما یک درس می دهد؛ می گوید: ای مشتاقان زیارت امام زمان! اگر می خواهید در ظهورش تعجیل شود؛ اگر می خواهید به دیدارش نائل بشوید، سعی کنید ایمانتان تقویت بشود و عملتان صالح بشود.

افرادی سؤال می کنند که آیا می توانیم آن جمال مبارک را زیارت کنیم؟! بله؛ اگر ایمان، قوی و نورانی، و عمل، صالح باشد و زبان و چشم و زندگی، آلوده نباشد، می شود. اگر جشنهای عروسی، آلوده نباشد؛ وسائل ارتباط جمعی، آلوده نباشد؛ حرام و رشوه و دروغ در زندگی انسان نباشد؛ اگر محبت و صفا و دوستی حاکم باشد؛ اگر ایمان قوی و عمل صالح، همه جا باشد، چنین زیارت و دیداری به صورت برنامه عمومی انجام خواهد شد؛ همان گونه که امروز، دیدارهای خصوصی انجام می شود.

حالات علماء و بزرگانی را که به محضر آن بزرگوار تشرّف پیدا کرده اند، مطالعه کنید و ببینید علامه بحر العلوم، مقدّس اردبیلی، شیخ انصاری و دیگران،

چه کردند که توفیق زیارت نصیبشان شد؟ ایمان و عمل صالح داشتند؛ ایمان در حدّ اعلا و عمل صالح هم در حدّ اعلا.

این از قسمت اول عرایضم که بشارت قرآنی بود. *إِنْ شَاءَ اللَّهُ* درس را فراگرفته‌اید و به سوی ایمان محکم‌تر و عمل صالح‌تر، همگی گام برداریم تا محبوب آن حضرت بشویم و چشمان لایق دیدار او شود و در ظهورش تعجیل گردد.

اما قسمت دوم عرایضم دربارهٔ مسجد جمکران است. برادران و خواهران عزیز! مسجد جمکران یکی از الطاف خفیة الهیه است که به نسل امروز داده شده است. در طول سال، مطابق آمار، در حدود پانزده میلیون نفر اینجا را زیارت می‌کنند و اعمال مسجد را به جا می‌آورند که اکثریت قاطع آنها، نسل جوان ما هستند.

آن روزی که امام زمان (عج) -مطابق آنچه در کتاب *بحار الأنوار*^۱ و کتابهای دیگر آمده است- به حسن بن مُثله جمکرانی دستور داد که برو و این مسجد را بساز، امام (عج) امروز را نگاه می‌کرد. دنیای امروز، دنیایی است پر از آشوب و پر از فساد؛ این همه سایت‌های فاسد، این همه ماهواره‌های فسادبرانگیز، این همه وسائل بدبختی که رواج پیدا کرده؛ خداوند به وسیلهٔ امام زمان (عج) این مسجد را به عنوان یک پناهگاه برای مبارزه با مفسد امروز، ذخیره کرده و به شما عزیزان تحویل داده است.

بعضی‌ها خیال می‌کنند و می‌گویند حسن بن مُثله جمکرانی خواب دیده و خواب هم حجت نیست! قضیه بر خلاف این است؛ شما اطلاع ندارید و

۱. علامه مجلسی؛ *بحار الأنوار*، ج ۵۳، ص ۲۳۰.

مطالعه نکرده‌اید! منابع را ببینید؛ این مسئله مربوط به بیداری است، نه خواب. شب‌هنگام بود که جمعی به درِ خانه‌اش آمدند و در را کوبیدند و گفتند: «وجود مقدس ولی عصر (عج) تو را می‌خواند؛ برخیز و بیا!» او هم حرکت کرد و به خدمت حضرت (عج) مشرف شد. حضرت (عج) به همین قطعه زمین اشاره کردند و فرمودند: «اینجا را خریداری کن و مسجدی بساز.»

این مسجد، از آن روز برای امروز ذخیره شد؛ اما یا للعجب! مایه تعجب است که جمعی در گوشه و کنار، درباره این مسجد مقدس، سم‌پاشی می‌کنند و در بعضی از روزنامه‌ها و جرائد و مطبوعات، بر ضد مسجد جمکران مطلب می‌نویسند. واقعاً انسان حیران می‌شود که اینها چه افکاری دارند؟ مگر مسجد جمکران، غیر از برکت و توبه و عنایت و هدایت، چه آثار دیگری داشته است؟

فرض کنیم داستان حسن بن مُثله جمکرانی نبود؛ مگر غیر از این است که اینجا مسجدی است بسیار با شکوه، مردم به اینجا به یاد امامشان می‌آیند و نمازی را می‌خوانند که سر تا پا توحید است؛ صد بار «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، هفت بار در رکوع «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ»، هفت بار در سجود «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ»، بعد از نماز هم تسبیحات حضرت زهرا (س)، بعد هم صد مرتبه «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»، کجای این کار، مشکل دارد؟

آیا اینکه در سال، میلیون‌ها جوان به اینجا می‌آیند و توبه می‌کنند، بد است؟ آیا اینکه میلیون‌ها زن و مرد به اینجا می‌آیند و به حاجاتشان می‌رسند، بد است؟ آیا اینکه میلیون‌ها نفر به اینجا می‌آیند و در مقابل مشکلاتشان، با امام‌زمانشان راز و نیاز و درد و دل می‌کنند و سبک می‌شوند، چه اشکالی

دارد؟ در سال، میلیون‌ها کتاب و نشریه از مسجد جمکران پخش می‌شود که همه آنها جنبه تربیتی و انسانی دارد، آیا این کار بزرگ فرهنگی که به وسیله بخش فرهنگی مسجد جمکران انجام می‌شود، بد است؟ تنها یک عیب ممکن است داشته‌باشد و آن اینکه مردمی که به مسجد جمکران می‌آیند، در انتخابات به شما رأی ندهند! فقط مشکل شاید همین باشد که به خاطر آن، درباره مسجد جمکران سم‌پاشی می‌شود.

نماز جماعتی که امشب در اینجا برپا شد، انسان را به یاد نماز جماعت مسجدالحرام و مسجدالنبی می‌اندازد، آیا اینها بد است؟ چرا افرادی به خاطر افکار سوء و نادرست، بر ضد این مسجد سم‌پاشی می‌کنند؟ ولی خوشبختانه گوش مردم به این حرفها بدهکار نیست. من عصر امروز که به سوی مسجد می‌آمدم، جمعیت را که می‌دیدم، گریه‌ام می‌گرفت؛ پیر و جوان، زن و مرد و بچه‌های خردسال و بعضی‌ها که کوله‌پشتی همراهشان است و به عشق امام‌زمان (عج) پیاده به اینجا می‌آیند؛ واقعاً لذت بردم.

بدانید به برکت امشب، به برکت این احساسات، به برکت این مسجد، خدا بسیاری از بلاها را از مملکت دور می‌کند. کسانی که با قلب پاک به اینجا می‌آیند، اگر آلوده هم باشند، در اینجا توبه می‌کنند و پاک می‌شوند. ما دلیل هم داریم؛ از آیات و روایات استفاده می‌شود که دعای قلبهای پاک، مستجاب می‌شود.

چه نقشه‌های شومی برای این مملکت کشیده‌بودند که خداوند نقشه‌های شوم آنها را برطرف کرد و به خودشان برگرداند. مردم، بیدار و هوشیارند و فریب این مسائل را نمی‌خورند. شاید یکی از عوامل برطرف‌شدن این نقشه‌های شوم، دعاهایی بوده که این جوانهای عزیز در این مسجد و در

مکانهای دیگر کرده‌اند.

من همین‌جا لازم می‌دانم از تمام کسانی که برای برنامه‌های این مسجد، عاشقانه و مخلصانه زحمت می‌کشند، تشکر کنم؛ از تولیت محترم مسجد، حجت الاسلام و المسلمین آقای وافی و از تمام کسانی که از ماه‌ها قبل، برای امشب و فردا، مسجد را آماده‌کردند و زحمت کشیدند؛ از همه آنها و برنامه‌های آنها تشکر می‌کنم و امیدوارم که مورد عنایت امام زمان (عج) باشند؛ حتماً مورد عنایت‌اند؛ چون اگر مورد عنایت امام زمان (عج) نبودند، توفیق خدمت پیدا نمی‌کردند.

و اما سومین نکته‌ای که لازم می‌دانم عرض کنم و سخنانم را کوتاه کنم، این است که در کنار گلها در بوستانها، خارهایی هم می‌رویند. کسانی که به سراغ گل می‌روند، باید حواسشان جمع باشد که در دام خار نیفتند. لازم می‌دانم به همه، مخصوصاً جوانان عزیز، هشدار بدهم که در دام سه گروه نیفتند:

اول، آنهایی که این برنامه سازنده و عالی مسجد را با خرافات آلوده می‌کنند. خرافات، دشمن دین و آیین است؛ دشمن برنامه‌های سازنده است و سبب می‌شود اندیشمندان، از دین فاصله بگیرند. اسلام به ما اجازه نمی‌دهد به خرافات عمل کنیم.

عزیزان! خواهران! برادران! برنامه‌ها بحمدالله روشن است؛ ببینید هر چه در کتابهای معتبر است، عمل کنید و چیزهایی که در کتابها نیست و این و آن به شما می‌گویند و مسائلی است که جنبه خرافاتی دارد، به آنها گوش ندهید و عمل نکنید.

و اما دومین گروه، شیادان و دجالانی هستند که با نام مقدس آن حضرت،

سوء استفاده می کنند و این روزها هم عددشان کم نیست! چه کار می کنند؟ یک شیاد می آید عده ای ساده دل را دور خودش جمع می کند و می گوید: «من خدمت امام زمان (عج) مشرف شده بودم! حضرت (عج) پیامی به من داده اند! حضرت (عج) لباسی به من داده اند! بیایید به عشق امام زمان (عج) دور من جمع بشوید!» این شیادان برای پُر کردن جیبشان و برای مطامع دیگر، دروغ به هم می بافند و افراد را جمع می کنند.

ماه گذشته که من به زیارت حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (ع) مشرف بودم، جوانی در حرم مرا دید و گفت: «شخصی پیدا شده که می گوید او را با طیّ الأرض به مدینه برده اند و آنجا به خدمت امام زمان (عج) رفته و به او گفته اند که عده ای اصحاب و یاران دارد و اسم من را هم به او داده اند؛ آن شخص می گوید که سر انگشتان امام زمان (عج) را نگاه کرده و دیده اسمهایی نوشته شده که اسم من هم بوده است و به من می گوید که بروم و جزء جمعیت او بشوم!»

این شیادان برای درآمد مادی و مطامع دیگر، یک مشت دروغهایی به هم می بافند و ادعا می کنند که به ما دستور داده شده! این ادعاکنندگان را نپذیرید؛ اینها دروغگویان اند؛ بعضی هایشان که به وسیله مسئولین محترم قضایی و انتظامی گرفتار شده اند، معلوم شده که اموال عظیمی را از این طریق ذخیره کرده اند و پرونده های فساد اخلاقی داشته اند.

یکی از آنها یک سجاده خالی می انداخت و ادعا می کرد که امام زمان (عج) روی سجاده ایستاده است و می گفت: «ای دوستان! بیایید و به امام زمان (عج) اقتدا کنید!» هنگامی که با آنها برخورد شد و پرونده هایشان را دیدند، مشخص شد که چه آلودگی ها و چه کثافت کاری هایی داشته اند.

جوانان عزیز! در دام شیادان نیفتید؛ از روایات استفاده می‌شود که قبل از ظهور امام زمان (عج)، همه منتظر هستند و امام زمان (عج) مورد رغبت است؛ در مقابل برنامه‌های مرغوب، برنامه‌های قلابی درست می‌کنند تا سوء استفاده کنند.

در روایت داریم که قبل از ظهور امام زمان (عج)، دجال ظهور می‌کند؛ نه یک دجال؛ بلکه چندین دجال ظهور می‌کنند. دجال در لغت یعنی آدم دروغگو و شارلاتان و حقه‌باز. این دجالان، این دروغگوها و حقه‌بازان پیدا می‌شوند و ظهور می‌کنند.

من امروز حدیثی از مولای متقیان، امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) درباره دجال یادداشت کردم که برای شما عزیزان بخوانم. این حدیث، درس عبرتی است. در بحار الأنوار علامه مجلسی (ره) هست و مرحوم محدث قمی هم در کتاب سفینه البحار از یکی از یاران امیر مؤمنان نقل می‌کند که «خَطَبَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع)»؛ یک روز امام (ع) خطبه‌ای خواند. «تَمَّ قَالَ سَلُونِي أَيُّهَا النَّاسُ قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي؛ ثَلَاثًا»؛ سپس سه بار فرمود: ای مردم! هر سؤالی دارید از من بپرسید، پیش از آنکه من را از دست بدهید.

یکی از یاران حضرت (ع) به نام صُعَصَعَةُ بْنُ صَوْحَانَ که مردی بزرگوار و از یاران مخلص و وفادار به مولا بود، برخاست و گفت: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَتَى يَخْرُجُ الدَّجَالُ؟»؛ ای امیر مؤمنان! دجال چه زمانی خارج می‌شود و ظهور می‌کند؟

۱. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲.

۲. همان.

۳. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳.

جواب حضرت (ع) را بشنوید: «فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ (ع) اقْعُدْ ... وَ اللَّهُ مَا الْمَسْئُولُ عَنْهُ بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ»؛ حضرت (ع) به او گفت: «بنشین؛ ... به خدا قسم! من به این مسئله، آگاه‌تر از تو نیستم!»

من آگاه به اخبار زمین و آسمان هستم؛ اما چند استثناء دارد. ظهور حضرت مهدی (عج) را من هم که علی بن ابی طالب هستم، دقیقاً نمی‌توانم تعیین کنم؛ ظهور دجال را هم دقیقاً نمی‌توانم تعیین کنم؛ قیام قیامت را هم پیغمبر اکرم (ص) تعیین نکرد؛ چون اینها از علومی است که مخصوص خداست.

حالا ملاحظه کنید بعضی‌ها گوشه و کنار پیدا می‌شوند و برای اغفال مردم، تاریخ ظهور حضرت را تعیین می‌کنند که در فلان سال ظهور می‌کند! ما می‌دانیم که *إِنْ شَاءَ اللَّهُ* ظهورش قریب است و علائم و نشانه‌ها هم نشان می‌دهد؛ اما هیچ کس حق ندارد دقیقاً تاریخ تعیین کند.

بعد، حضرت علی (ع) فرمود: «صعصعه! اگر بخواهی، نشانه‌هایش را به تو می‌دهم.» عرض کرد: «آقا جان! بفرمایید.» امام (ع) مطالبی فرمود که من پنج جمله امام (ع) را برای شما می‌خوانم؛ فرمود:

۱. «إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ»؛^۱ زمانی که مردم، نماز را بمیرانند و به آن اهمّیت ندهند و نسبت به نماز، کاهل بشوند.

۲. «وَ أَضَاعُوا الْأَمَانَةَ»؛^۲ زمانی که مردم، امانت را ضایع نمایند و در امانتها خیانت کنند.

۱. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳.

۲. همان.

۳. همان.

۳. «وَ اسْتَحَلُّوا الْكُذِبَ»^۱؛ زمانی که مردم، دروغ را مجاز و حلال بشمارند و دروغ گفتن در همه جا رائج بشود.

۴. «وَ أَكَلُوا الرِّبَا»^۲؛ زمانی که مردم، رباخوار بشوند و به نامهای مختلف و زیر پوششهای ظاهراً شرعی، سفره رباخواری را بگسترانند.

۵. «وَ أَخَذُوا الرِّشَا»^۳؛ زمانی که مردم، رشوه بگیرند و رشوه خواری در میان آنها رائج شود؛ به طوری که تا رشوه‌ای ندهند، مشکلشان حل نشود. اینها از علائم و نشانه‌های نزدیکی ظهور مهدی (علیه السلام) است. زمانی که این گونه مفسد، پیش بیاید، دجال هم ظهور می کند و باید منتظر آن بود.

حدود پنجاه علامت در این روایت هست که من فقط پنج علامت را برای شما خواندم. اکثر این علامات حاصل شده است و همین‌ها است که به ما بشارت می دهد؛ که آن ظهور بزرگ و آن حکومت جهانی *إِنْ شَاءَ اللَّهُ* نزدیک است؛ نزدیک است زمانی که بساط این همه ظلم و جنایت برچیده شود. جنایتکاران در این دنیا چه می کنند؟ در اخبار اخیراً دیدید که آمریکای جنایتکار، سی میلیارد دلار اسلحه مرگبار به اسرائیل فروخت! بیست میلیارد دلار هم به یک عده از شیوخ غافل و بی خبر عرب! پنجاه میلیارد دلار را اگر در دنیا بریزند، آباد می شود؛ اما اینها وسائل تخریب را انتخاب می کنند. مردم وقتی این چیزها را می بینند، می فهمند که ادعاهای حقوق بشر، ادعای دموکراسی و ... همه این ادعاها دروغ است. وقتی از آنجا خسته و سرخورده

۱. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳.

۲. همان.

۳. همان.

شدند، رو به برنامه‌های معنوی و انسانی می‌آورند و به سوی امام زمان، حضرت مهدی (عج)، گام برمی‌دارند. همه از ظلم و ستم خسته شده‌اند؛ رهبری، راهبری می‌جویند؛ همه در انتظار هستند.

و اما سومین گروهی که نباید در دام آنها هم بیفتید، کسانی هستند که جشنهای امام زمان (عج) را وسیله کارهای خلاف قرار می‌دهند و آلوده به رقص و پای کوبی و ... هستند. فردی امشب به من خبر داد و گفت که در یکی از تالارهای تهران که نام نمی‌برم، یک عده از ارکسترهای خارجی را دعوت کرده‌اند که زن و مرد به نام میلاد مبارک امام زمان (عج) شادی کنند!! آیا جشن و شادی به مناسبت میلاد مبارک امام زمان (عج) باید وسیله پاکی و تقوا شود، یا مایه گناه و آلودگی؟ آیا آلودگان قصد سوء استفاده ندارند؟ اینها غرض دارند و این جشنها را آلوده می‌کنند تا ارزش آن، از بین برود. *إِنْ شَاءَ اللَّهُ* شما عزیزان در دامان اینها گرفتار نشوید.

عرضم را کوتاه‌کنم و باز هم از تمام مسئولین محترم در قم و تهران و تمام خادمان افتخاری و تمام کسانی که برای برنامه این مسجد زحمت می‌کشند و برای برنامه امشب زحمت کشیده‌اند، من به سهم خودم، تشکر و سپاس‌گزاری می‌کنم؛ ولی عرض کنم مسئولین محترم! مسجد جمکران، بیش از این می‌طلبد؛ به وضعیت آن رسیدگی کرده‌اید؛ اما بیشتر باید برسید تا به کوری چشم آنهايي که می‌خواهند برنامه‌های این مسجد، کم‌رنگ بشود، *إِنْ شَاءَ اللَّهُ* پُررنگ و پُررنگ‌تر بشود.

و السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

بخش دوم

سخنرانی
حضرت آیت الله العظمی
صافی گلپایگانی

سخنرانی حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ
عَلَى سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَ خَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ سَيِّدِنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ سَيِّمًا الْإِمَامِ الْمُبِينِ وَ الْحِصْنِ
الْحَصِينِ وَ غِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ، مَوْلَانَا وَ سَيِّدِنَا الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ بِقِيَّةِ اللَّهِ
فِي الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ
الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾^۱

بنده این عید سعید بسیار بزرگ و بااهمیت و این روز الهی و بزرگ
-که برای این امت مرحومه، مقرر شده است- یعنی ولادت حضرت
بقیة الله (أرواح العالمین له الفداء) را به همه شیعیان و دوستان حضرت و به

۱. سخن [و وعده قطعی] ما برای بندگان فرستاده ما، از پیش مسلم شده است؛ * که آنان، همان
یاری شدگان اند؛ * و همانا لشکر ما، همان غلبه یافتگان اند. سورة الصافات، آیات ۱۷۱، ۱۷۲ و ۱۷۳.

همه فرشتگان و ملائکه و کسانی که در عوالم مختلف نسبت به حضرت، نظر ارادت و خلوص دارند و همچنین به خدمت شما عزیزان و برادران و خواهرانی که در این مراسم شرکت دارید و افتخار حضور در این مسجد مقدس جمکران را پیدا کرده‌اید، تبریک عرض می‌کنم.

امیدوارم که عنایات خاصه حضرت (عج)، شامل حال همه شما باشد و خداوند متعال، این خدمات و این تعظیم شعائری را که ملت ما و همه شیعیان در اقصاء و اکناف عالم، به مناسبت ولادت حضرت (عج) انجام می‌دهند، به احسن وجه قبول بفرماید. تبریکات خودم را عرض می‌کنم و برای همه، از خداوند متعال تقاضای مزید توفیق می‌نمایم.

مطالبی که باید در این مجالس به عرض برسد، مطالب مفصلی است؛ نه کل آن مطالب را می‌توان به عرض رساند و نه حق هر یک را آن‌چنان که شایسته و سزاوار است، می‌توان ادا کرد؛ ولی در حد اختصار، به طوری که برای شما مزاحمتی فراهم نشود و با وضع و حال بنده هم مناسب باشد، به چند مطلب اشاره می‌کنم:

اول، همین مطلب عرض تبریک بود.

دوم، تقدیر و تشکر از تمام برگزارکنندگان مراسم این عید دینی است. این تعظیم شعائر و این زحمات و خدماتی که شیعیان عزیز، مخصوصاً جوانان و نوجوانان انجام می‌دهند، بسیار مورد تقدیر است و واقعاً سزاوار تشکر است؛ زیرا انسان هر چه بیشتر در عمق این کارها سیر می‌کند، می‌بیند که در این مسئله، چقدر خلوص نیت وجود دارد.

همین مسجد مقدس جمکران و این اقبال مردم به حضور در این مسجد، امری عادی نیست که انسان به سادگی بتواند از کنار آن بگذرد.

زمانی یکی از خلیفه‌ها دربارهٔ حرمهای ائمه (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) گفته بود: «اقبال مردم به این حرمها، امری سماوی و آسمانی است؛ سرّ غیبی و ارادهٔ الهی است.» این بزرگداشت‌ها و این اقبال مردم به امام زمان (عج) نیز همین طور است؛ امری آسمانی است و نشانهٔ این است که قلوب مردم، تحت اختیار ولیّ امر آنها، حضرت ولیّ عصر (عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ) است.

الآن که بنده به مسجد مشرف می‌شدم، دیدم که مردم، از زن و مرد، با چه خلوص نیت و با چه معنویتی، در این فصل گرم، به اینجا آمده‌اند و این امر، واقعاً برای انسان، جالب و بامعنا است؛ اینها علائم غیبی است که عالم، فقط همین عالم ظاهر نیست؛ مسائل، فقط همین مسائل ظاهری نیست؛ بلکه عالم دیگری هم هست؛ معانی و مطالب دیگری هم هست!

به هر صورت، این امر، امر سماوی است و همه باید از خدماتی که نسبت به این مسجد انجام می‌شود، تقدیر و تشکر کنیم؛ همه باید از مدیریت مسجد و از تمام عزیزانی که در اینجا با خلوص نیت، به هر نحو انجام وظیفه می‌کنند، تشکر کنیم. الحمدلله، می‌بینید که روز به روز، بر توسعه و شکوه و عظمت این مسجد افزوده می‌شود و اقبال مردم به حضور در اینجا، برای عبادت و توسل به وجود مقدس قلب عالم امکان، آقا امام زمان (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، افزون‌تر می‌گردد.

در این شرایط دنیا و این اوضاع و احوالی که نمی‌خواهم زیاد توضیح بدهم؛ در این شرایط که مردم به امور مادی توجه بسیاری دارند، این برنامه‌ها و این اقبال مردم و متوجه شدن قلوب مردم به این معنویت و توجه به ولایت اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، مطلب بسیار آموزنده‌ای است که انسان باید به آن خیلی دقت کند و حساب ویژه‌ای برای آن باز کند.

مطلب دیگر، درباره آثار این برنامه‌هایی است که اجرا می‌شود؛ اصل این برنامه‌ها و چراغانی‌ها که در همه جای عالم تشیع برپاست، خیلی مهم است. البته قداست این برنامه‌ها باید محفوظ‌بماند و خدای ناخواسته، آلوده به گناه و حرام نشود.

ولی به هر حال، همین که هر کسی و هر جمعیتی در هر جا، به حسب وضع و تمکن خود، اظهار ولایت و تعظیم شعائر می‌کند، خیلی معنا دارد. این کار در دنیای کنونی، اظهار وجود و اظهار حیات است؛ یعنی ما هستیم و ما زنده‌ایم و ما ولایت محمد و آل محمد (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) را داریم و به ولایت امام زمان (عَلَيْهِ السَّلَامُ) معتقد هستیم.

این اعلام وجود و اعلام حیات که ما زنده‌ایم و متمسک به ذیل عنایت ائمه طاهرین (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) هستیم، اعلام وجود به دشمنان است که بدانید که ما هستیم و در مواضع خودمان، پابرجاییم؛ دست از دینمان و از ولایت اهل بیت (ع) بر نمی‌داریم؛ افتخار می‌کنیم که شیعه علی بن ابی طالب (ع) و فرزندان امیرالمؤمنین (عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ) هستیم؛ به مسلمانی خودمان و به اینکه به سنتهای اسلام عمل می‌کنیم، افتخار می‌کنیم.

این تعظیم شعائر، خودش مطلب مهمی است: «وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»^۱. اینکه هر کسی، به تناسب خودش، خلوص نیت خود را اظهار می‌کند، عبادت بسیار بزرگی است که انجام می‌دهد.

مسئله دیگر، مسئله انتظار است. انتظار، همان‌طور که در روایات آمده،

۱. و هر کس شعائر الهی (نشانه‌های عبادت خدا) را بزرگ بشمارد، همانا این کار، از تقوای دلها [و نشانه پاکی دلها] است. سوره الحج، آیه ۳۲.

از عبادات بزرگ است: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛ تقاضای فرج آل محمد (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) و ظهور حضرت ولی عصر (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، بالاترین و برترین عبادتهاست.

اگر انسان روایات مربوط به فضیلت منتظران و فضیلت کسانی که در عصر غیبت حضرت ولی عصر (عج) دین خود را نگاه می‌دارند، مطالعه کند، واقعاً به مردمی که در این زمانه دینشان را حفظ می‌کنند، به این مردان متدین و به این زنانی که حجابشان را حفظ می‌کنند و این برنامه‌ها و سنتهای اسلامی را زنده نگه می‌دارند، تبریک خواهد گفت.

در روایت معتبری آمده که ثواب و فضیلت شخصی که در عصر غیبت حضرت ولی عصر (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، منتظر ظهور باشد و متمسک به دین باشد و به دین عمل کند، از هزار نفر از کسانی که در جنگ بدر و احد شرکت کرده باشند، بیشتر است!

این مطلب خیلی مهمی است. ما باید قدر خودمان را خیلی بدانیم و بسیار مواظب خودمان باشیم؛ باید خیلی متمسک به دین باشیم و ملتفت باشیم که دینمان خدشه دار نشود؛ این فضیلت و مقام این مردم است.

در روایت دیگری، حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «کسانی در عصر غیبت می‌آیند که ثواب هر یک از آنها، برابر پنجاه نفر از صحابه من است!» روایت در این مورد، زیاد است؛ غرض این است که مسئله انتظار، مسئله مهمی است و انسان باید بر امر ولایت و اعتقاد به آن، ثابت قدم باشد.

البته باید بدانیم که این انتظار، معنای سلبی و منفی ندارد؛ معنای انتظار،

این نیست که انسان کار به چیزی نداشته باشد و امر به معروف و نهی از منکر نکند و نسبت به امور، بی تفاوت باشد تا هر چه می خواهد بشود! نه، این طور نیست. من در این باره، تقریباً چهل سال پیش، رساله‌ای به نام انتظار، عامل مقاومت و حرکت نوشته‌ام.

انتظار، یعنی حالتی که انسان را در امر دین و در برابر کفر و تبلیغات ضد اسلام، مقاوم کند و انسان را به جلورفتن و پیش رفتن در امر دین تحریک کند؛ پس انتظار، هم عامل مقاومت است و هم عامل حرکت.

معنای انتظار، معنای اثباتی و ایجابی است؛ اصلاً معنای سلبی و منفی در انتظار وجود ندارد. همه معنای انتظار، این است که باید به دین عمل کرد؛ باید امر به معروف و نهی از منکر کرد؛ باید دین و سنتهای اسلام را زنده نگاه داشت و باید رضای امام زمان (علیه السلام) را در نظر گرفت.

ما باید مفهوم انتظار را درست معنا کنیم؛ مفهوم انتظار، یک مفهوم منفی نیست و به این معنا نیست که بی تفاوت باشیم؛ بلکه به این معناست که باید همه چیز را از منظر دین، نگاه و ملاحظه کنیم. یکی از اموری که در دین به آن تأکید فراوان شده است و باید منتظران امام زمان (عج) به آن توجه کنند، بحث امر به معروف و نهی از منکر است که از اهم وظایف مسلمین است.

در نهج البلاغه، امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

«ما أعمال البر كلها و الجهاد في سبيل الله عند الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر إلا كنفثة في بحر لجي»؛ همه اعمال و کارهای خوب و جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، همچون قطره

آبی در برابر دریای عمیق و پهناور است!

این فرمایش، حقیقت است و از اینها انسان متوجه می‌شود که چقدر امر به معروف و نهی از منکر، در سعادت انسان نقش دارد. لذا باید دین را زنده نگاه داشت و باید احکام خدا را در همه جا برپا کرد؛ باید امر به معروف و نهی از منکر کرد و باید مردم را هدایت کرد.

الحمد لله ما مفتخریم که برای انتظار، این همه ثواب و فضیلت برای ما فرموده‌اند. حضور ما در این برنامه‌ها موجب تقرب به خدا می‌شود؛ به همین خاطر، باید احساس مسئولیت کنیم؛ ما نسبت به عالم، مسئولیت‌های زیادی داریم؛ ما نسبت به خانواده، نسبت به جامعه، نسبت به جوانها، نسبت به حجاب زنها و نسبت به اتفاقاتی که در دنیا واقع می‌شود، مسئولیم!

ما باید در زندگی احساس مسئولیت کنیم و مرتباً از خود بپرسیم که آیا وظیفه‌مان را انجام می‌دهیم؟ آیا کاری می‌کنیم که موجب رضای امام‌زمان (عج) باشد و حضرت (عج) از ما خوشحال بشود؟

مطمئن باشید که اگر در جایی، منگری واقع بشود و خدای ناخواسته، جریان زشتی در جامعه رخ دهد، اولین کسی که نگران می‌شود، وجود مقدس امام‌زمان (علیه‌السلام) است؛ همین‌طور، هر جا که برنامه خوبی برقرار شود یا امر به معروف و نهی از منکر انجام بشود، اولین کسی که خوشحال می‌شود، وجود مبارک امام‌زمان (عج) است. ما در روایت داریم که هیچ عبادتی، بالاتر از این نیست که انسان مؤمنی را خوشحال کنید. حالا ببینید، اگر بتوانید امام‌زمان (عج) را خوشحال کنید، چقدر ثواب دارد؟!

اگر می‌خواهید امام‌زمان (عج) را خوشحال کنید، باید به فکر دین باشید؛ به فکر این باشید که احکام دین در بین مردم زنده بماند؛ باید مواظب باشید تا

جزء کسانی باشید که موضع مشخص دارند و در امر دین، قاطع و ثابت قدم هستند؛ برای خوشحال کردن امام زمان (عج)، این همه موسیقی و این همه معصیت نباید وجود داشته باشد.

امیدوارم که بتوانیم مقاصد امام زمان (عج) را روا کنیم؛ مقاصدی که در دعای عهد می خوانیم و حوائج حضرت (عج) را به زبان می آوریم. از جمله حوائج امام زمان (عج)، رسیدگی به بندگان خدا و به فقرا است.

خداوند در روز قیامت به بنده اش خطاب می کند: «ای بنده من! من از تو قرض خواستم؛ چرا به من قرض ندادی؟!» بنده عرض می کند: «خدای من! تو غنی و بی نیاز هستی؛ تو که از من قرض نمی خواهستی!» خدا می فرماید: «به آن بنده من که از تو قرض خواست، با اینکه می توانستی به او کمک کنی، چرا به او قرض ندادی؟»

حالا هم این مردم، همه عیال امام زمان (عج) هستند. در این راه، هر کس که می تواند نیاز اشخاص محروم و فقرا و حاجتمندان را برآورده کند، این کار را به نیت امام زمان (عج) انجام بدهد و آن حضرت (عج) را خوشحال کند.

خداوند متعال، به همه شما توفیق بدهد و إن شاء الله امام زمان (علیه السلام) از همه ما راضی باشد. خداوند متعال، بر عزت و عظمت اسلام و رونق دین و مذهب و ولایت اهل بیت (ع) و امام زمان (عج)، هر روز و هر ساعت بیفزاید. خداوند متعال، شیعیان و همه مسلمانان را در هر جای عالم، مورد عفو و رحمت قرار دهد و شیعیان عراق را که این مشکل برای آنها پیش آمده است، نجات، عطا بفرماید. خداوند متعال، قلب مبارک امام زمان (عج) را همیشه نسبت به ما عطوف و مهربان قرار بدهد.

وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

بخش سوم

سخنرانی
حضرت آیت الله العظمی
سبحانی

سخنرانی حضرت آیت الله العظمی سبحانی (دامت برکاته)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، بَارِي الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ،
بَاعِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى وَ قَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوَى.
وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ وَ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ، الْعَبْدِ الْمُؤَيَّدِ، الرَّسُولِ
الْمُسَدَّدِ، الْمُصْطَفَى الْأَمْجَدِ، الْمَخْمُودِ الْأَحْمَدِ، أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، لَاسِيَّمَا نَامُوسِ الدَّهْرِ وَ وَلِيِّ
الْعَصْرِ، الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ الْفَرَجَ.
قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ الْكَرِيمِ؛ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ:
«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱

ميلاد مسعود آخرین اوصیاء، منجی جهان بشریت، دادگر جهان و آخرین
ذخیره الهی را به عموم مسلمانان جهان، به ویژه شیعیان و بالأخص عزیزانی

۱. و در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که [حکومت] زمین را بندگان صالح و شایسته من به ارث
می برند. سوره الانبیاء، آیه ۱۰۵.

که در این مسجد مقدّس تشریف دارند، صمیمانه تبریک می‌گوییم و از خداوند متعال خواهانم که همه ما را جزء منتظران واقعی و حقیقی آن حضرت قرار بدهد.

در این ایام، مناسب است که درباره انتظار بحث کنیم. انتظار، یعنی چه؟ گاهی انتظار به صورت غیر صحیح تفسیر می‌شود و گاهی به صورت صحیح. اصولاً مفاهیم اسلامی اگر به دست افراد ناوارد بیفتد، به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که مایه اشکال و عیب است؛ اما اگر به دست افراد وارد بیفتد، این مفاهیم را به نحو صحیح معنا می‌کنند.

مثلاً صبر، یکی از برنامه‌های اسلام است؛ صابر از نظر اسلام، مقامی دارد که اجرش حساب ندارد: «إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ اما معنای صبر چیست؟ اگر این مفهوم را به دست یک انسان غیروارد بدهید که اسلام‌شناس نیست، صبر را چنین معنا می‌کند: «دست روی دست گذاشتن و توستری خوردن! صبر کردن برای توستری خوردن!»

اگر معنای صبر این است که بشر، مظلومانه دست روی دست بگذارد تا بر سرش بزنند و آخ هم نگوید، این صبر از برنامه‌های اسلام نیست؛ این معنای صبر نیست؛ صبری که می‌فرماید پاداش صابران حساب ندارد، به این معنا نیست که ظالم، ظلم کند و ما هم نگاه کنیم و هیچ کاری نکنیم.

صبر، معنای دیگری دارد؛ معنای صبر، مقاومت و استقامت در برابر ناگواری‌ها است. اگر ماه رمضان است و هوا گرم است، صبر این است که ما در مقابل این گرما، پابرجا باشیم و روزه بگیریم؛ این یعنی صبر در طاعت.

۱. همانا [به] صابران، اجر و پاداششان بی حساب داده می‌شود. سوره الزمر، آیه ۱۰.

اگر خدای ناکرده، در برابر گناهی قرار گرفتیم و در آستانه گناه بودیم، معنای صبر این است که خویشتن دار باشیم و گناه نکنیم؛ این یعنی صبر در برابر معصیت.

اگر مصیبتی برای ما پیش آمد، در عین حالی که اشک می ریزیم، جزع و فزع نکنیم و استقامت به خرج بدهیم؛ این یعنی صبر در مصیبت. اگر در جهاد و میدان نبرد هستیم، صبر یعنی اینکه فرار نکنیم و پابرجا باشیم؛ در مقابل دشمن بایستیم و او را از خانه خود دور کنیم: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا»؛ این تفسیر صبر است.

آنها که دور از اسلام هستند و می خواهند چهره اسلام را مخدوش کنند، می گویند: «صبر، این است که کارگر و کشاورز و انسان مظلوم، دست روی دست بگذارد و توسری بخورد!»

اما اسلام از این صبر، بیزار است. امام صادق (ع) فرمود: «مَا قُدِّسَتْ أُمَّةٌ لَمْ يُوْخَذْ لِضَعْفِهَا مِنْ قَوِيَّهَا بِحَقِّهِ غَيْرَ مُتَّعِعٍ»؛ «امتی که حق [شخص] ضعیف آن، از [شخص] قوی آن [امت]، قاطعانه و بدون تردید گرفته نشود، مقدس و منزّه نیست.»

صبر، یکی از مفاهیم عالی اسلام است؛ اما اگر به معنای توسری خوردن تفسیر شود، چنین تفسیری عین نکوهش اسلام است. اما اگر صبر را استقامت

۱. همانا کسانی که گفتند: «پروردگار ما، خداوند است.»، سپس استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنها نازل می شوند که نترسید و غمگین مباشید! سوره فصلت، آیه ۳۰.

۲. شیخ کلینی؛ الکافی، ج ۵، ص ۵۶.

و پابرجایی در میدان نبرد و جهاد، استقامت در طاعات و عبادات، شکیبایی در برابر معصیت و در مصیبت معناکنیم، چنین تفسیری عین اسلام است. همین‌طور که مفهوم صبر را به دو گونه می‌شود معنا کرد که یکی عین حق است و دیگری ضد آن، مفهوم انتظار هم بستگی دارد که چگونه معنا شود.

اگر مفهوم انتظار را به دست افراد ناوارد بدهیم، می‌گویند: «انتظار، این است که کار نکنید و تلاش نکنید؛ خودِ امام زمان می‌آید و کارها را درست می‌کند!» انتظار به این معنا، جزء اسلام نیست؛ اگر انتظار را چنین معناکنیم، مثل این است که صبر را به معنای توسری خوردن بگیریم.

معنای انتظار این نیست که کار و تلاش نکنیم تا خودِ امام زمان بیاید و تمام کارها را انجام بدهد؛ انگار، بنده و جناب‌عالی هیچ وظیفه‌ای در اسلام نداریم و همه وظیفه‌ها به گردن حضرت صاحب‌الزمان (عج) است! این معنای انتظار نیست؛ انتظار به این معنا، سازنده نیست؛ بلکه انتظار، معنای دیگری دارد که سازنده است؛ انتظار سازنده و کارآور، این است که مثلاً جناب‌عالی منتظرید که امشب، یک مهمان به خانه شما بیاید؛ شما که منتظر مهمان هستید، چه کار می‌کنید؟ آیا می‌گویید خودِ مهمان بیاید و همه کارها را انجام بدهد؟! یا اینکه فعالیت می‌کنید و مقدمات را فراهم می‌کنید و غذا آماده می‌کنید و هر نوع امکاناتی که در اختیارتان هست، برای مهمان عزیزتان در طبق اخلاص می‌گذارید و حاضر می‌کنید؟

مهمان عزیز اسلام، آخرین اوصیاء و آخرین ذخیره الهی، مهمان ماست؛ ما که منتظر این مهمان هستیم، چه باید بکنیم؟ آیا دست روی دست بگذاریم؟! یا اینکه فعالیت کنیم و امر به معروف و نهی از منکر کنیم و برای

او سرباز بسازیم و جامعه را آماده کنیم؟

آمدنِ امام زمان (عج)، در حقیقت مهمانی الهی است و جهان، میزبانِ امام (ع) است. همه شیعیان و مسلمانان و بلکه همه موحدان و آنهایی که دارای شریعت هستند، همه میزبانِ امام عزیزِ هستند که خواهد آمد.

باید برای آن مهمانی، مقدماتی را فراهم کنیم: مدرسه‌سازی، امر به معروف، نهی از منکر، انجام دادن کارهای خیر، کتاب نوشتن، کتاب خواندن، مردم را با امام آشنا کردن و ... ؛ همه این کارها به معنای انتظار واقعی است. بنابراین، اگر منتظر واقعی هستیم، نباید انتظار به معنای اول باشد که تَبَلِ پرور است؛ بلکه باید به معنای دوم باشد که کارآمد و سازنده است.

از نظر قوانین، امید برای بشر، یک چراغ است. اگر دو جوان را دیده باشید که یکی مایوس است و دیگری امیدوار؛ آن جوان مایوس، واقعاً دست از زندگی می‌شوید و با سر خوردگی می‌نشیند و سرانجام با افسردگی می‌میرد؛ ولی آن جوانی که امید به آینده دارد، امیدوارانه هم برای خود زندگی درست می‌کند و هم برای فرزندانش و هم برای دیگران.

امید، یک چراغ است. یکی از افتخارات شیعه در جهان اسلام، این است که امید را در دل تمام جهانیان ایجاد کرده‌است و می‌گوید: «ای جهانیان! مایوس نباشید و امیدوار باشید که جهان به همین صورت نمی‌ماند که انسانها را مانند بره سر ببرند؛ بلکه ورق بر می‌گردد و این جهان پر از عدل و داد می‌شود!» این امیدی است که انبیاء و اولیاء و بعداً پیغمبر اکرم (ص) و اولیاء او (علیهم‌السلام)، این امید را به همه جهانیان داده‌اند.

حدیثی نقل کنم که قطعاً این حدیث را در این ایام و لیالی شنیده‌اید. حضرت مسیح (سَلَامُ اللهُ عَلَیْهِ) پیرمرد باغبانی را دید که دندانهایش ریخته و

با قد خمیده نهال می‌کارد. حضرت مسیح(ع) عرض کرد: «خدایا! امید را از این پیرمرد بگیر!» دعای حضرت مستجاب شد و باغبان به کناری رفت و دست از کار کشید.

حضرت مسیح(ع) بار دیگر عرض کرد: «خدایا! امید را به این باغبان بازگردان!» دعای حضرت مستجاب شد و باغبان یک‌مرتبه حرکت کرد و مانند یک جوان، به کار مشغول شد. حضرت مسیح(ع) از پیرمرد سؤال کرد: «تو را چه شد و این دو حالت چه بود؟» پیرمرد عرض کرد: «یا روح‌الله! در حالت اول، مأیوس شدم و گفتم که من پیرمرد، در پایان عمر هستم! من که دو روز دیگر می‌میرم، برای چه کار کنم؟! لذا کار را رها کردم. در حالت دوم، امیدی به من دست‌داد و گفتم که شاید باز هم من زنده بمانم! لذا برخاستم و کار کردم.»

انبیاء و اولیاء بر خلاف مکتب مادی که امید را از بشر می‌گیرد، به بشریت امید داده‌اند که آینده، بهتر از گذشته خواهد بود. از پیغمبر اکرم(ص) با الفاظ مختلف ولی معانی یکسان، در روایتهای متعددی که از روایات متواتر و بلکه فوق متواتر هستند، نقل شده که فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»؛ اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی‌نمانده‌باشد، خداوند آن روز را طولانی می‌سازد تا او(مردی از فرزندان من) خارج شود و دنیا را از عدل و داد پر کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده‌بود.

این امیدی است که پیامبر(ص) به ما می‌دهد. امید، چراغی است که باید

در دل جوان روشن باشد؛ بحمدالله همه شما جزء منتظران هستید؛ البته نه انتظار به معنای تنبلی و خمودی؛ بلکه انتظار به این معنا که سازنده باشید و برای حضرت (عج) کار کنید.

حکومت حضرت حجت (عج)، حکومت واحد جهانی است. حکومت‌های فعلی، حکومت‌های منطقه‌ای هستند؛ ولی حکومت حضرت، حکومت واحد جهانی است؛ حکومتی که بشر در خواب هم ندیده و فکر نمی‌کند که محقق بشود؛ اما نوید داده‌اند که چنین حکومتی محقق خواهد شد.

در آیه نهم سوره صف، خداوند متعال بشارت می‌دهد که اسلام عالم‌گیر است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱. چرا خدای متعال، پیامبر اسلام (ص) را فرستاد؟ برای اینکه اسلام، جهان‌گیر و عالم‌گیر بشود؛ ولی تا کنون نشده است.

در جهان، حدود یک و نیم میلیارد مسلمان داریم؛ در حالی که حدود چهار و نیم میلیارد انسان، با ادیان مختلف دیگر زندگی می‌کنند. هند، موزه مذاهب است؛ اگر کسی می‌خواهد مذاهب مختلف را ببیند، باید به هند برود؛ حتی هنوز در هند و ژاپن، بت‌پرستانی زندگی می‌کنند.

حالا سؤال این است که پس این وعده الهی، چه زمانی محقق خواهد شد؟

چند روایت درباره زمان تحقق حکومت جهانی اسلام داریم. در یکی از آنها راوی درباره تأویل همین آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» از امام (ع)

۱. او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن [دین حق] را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند و نپسندند. سوره الصف، آیه ۹.

سؤال می‌کند؛ امام(ع) می‌فرماید: «يُظْهِرُهُ عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ»؛ یعنی آن دین حق(اسلام) را به هنگام قیام حضرت قائم(عج) بر همهٔ ادیان، غالب و مسلط می‌کند. تاویل آیه، زمانی است که آخرین ذخیرهٔ الهی بیاید؛ در آن موقع، اسلام فراگیر و عالم‌گیر خواهد شد.

حکومت اسلامی پس از ظهور امام زمان(عج)، حکومت منطقه‌ای نیست؛ بلکه حکومت واحد جهانی است و این حکومت واحد جهانی، سرباز و متفکر و عالم می‌خواهد. شما اگر بخواهید یک خانه را اداره کنید، نیاز به برنامه و نیرو دارید؛ حضرت حجت(عج) هم به تنهایی یک جهان را اداره نمی‌کند و اعوان و انصار می‌خواهد؛ شما باید این اعوان و انصار را فراهم کنید و انسان بسازید و جهان را آمادهٔ چنین مهمانی بزرگی کنید.

مرتباً از ما می‌پرسند که امام زمان(عج) چه وقت خواهد آمد؟ ما نمی‌توانیم زمان ظهور را تعیین کنیم. در روایات از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) نقل شده که نمی‌توان زمان ظهور را تعیین کرد. در روایتی از امام باقر(ع) هست که در پاسخ به این سؤال، سه بار فرمودند: «كَذَبَ الْوَقَاتُونَ»^۱.

ما نمی‌توانیم وقت ظهور را تعیین کنیم؛ چه بسا خود حضرت(عج) هم نتواند وقت مشخصی را تعیین کند؛ چون همان‌طور که وقت قیامت، عندالله است و فقط خدا آن را می‌داند، وقت ظهور حضرت(عج) هم عندالله است.

درست است که ما نمی‌توانیم زمان دقیق ظهور را تعیین کنیم؛ اما می‌توانیم به ظهور آن حضرت(عج) کمک کنیم و جامعه را آماده کنیم تا بتواند پذیرای

۱. شیخ کلینی؛ الکافی، ج ۱، ص ۴۳۲.

۲. وقت تعیین کنندگان، دروغ گفته‌اند. الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

امام(عج) باشد و برنامه‌های او را پیاده کند.

مرحوم آیت‌الله کاشانی در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ انقلاب کرد؛ اما برنامه‌ها پیاده‌نشده! سالها قبل از آن هم انقلاب مشروطه به پا شده بود؛ اما به ثمر نرسید! چرا؟ چون در جامعه آن روز، این همه منتظر واقعی و جان‌فشان و آگاه و علاقه‌مند و توانمند وجود نداشت تا برنامه‌ها را پیاده کنند.

اما این انقلاب استاد بزرگوار حضرت امام خمینی(ره) در سال ۱۳۵۷ به ثمر نشست؛ چرا؟ چون امام(ره) زمانی پرچم این انقلاب را بلند کرد که پانزده سال، حوزه علمیه قم جان‌فشانی کرده بود و نیروهای زیادی را تربیت کرده بود. هنگامی که امام(ره) قیام کرد، علماء و دکترها و مهندس‌ها و همه مردم، لبیک گفتند تا کشور را به کوری چشم دشمنان اداره کنند.

اگر این همه اعوان و انصار نبود، انقلاب امام(ره) هم به پیش نمی‌رفت. غربی‌ها می‌گفتند: «این انقلاب، پیروز نخواهد شد؛ چون اینها نمی‌توانند کشور را اداره کنند!» اما غافل بودند از اینکه در این کشور، انسانهای لایق و کاردان فراوان است.

مشابه همین قضیه، اما خیلی بزرگ‌تر، در ظهور حضرت ولی عصر(عج) هم صادق است؛ اگر ایشان بیاید، ولی اعوان و انصاری نداشته باشد و منتظران از نظر عقلی و فکری ترقی نکرده باشند، حکومت جهانی محقق نخواهد شد و از آنجا که تحقق حکومت جهانی اسلام، وعده الهی است، به همین خاطر، حضرت(عج) تا زمانی که آمادگی لازم وجود نداشته باشد، ظهور نخواهد کرد. حدیثی از امام باقر(ع) در کتاب کافی نقل شده که نشان‌دهنده این است که ظهور حضرت(عج) موقعی است که بشر از نظر فکری کامل بشود تا قدر امام(عج) را بداند.

امام باقر(ع) فرمودند: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُئُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ»؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست پُربرکت آن حضرت(عج) را بر سرِ بندگان می‌گذارد و به وسیلهٔ آن، عقلهای بندگان را جمع کرده و به کمال می‌رساند.

آن کسی که حسین بن علی(ع) را می‌کشد، نادان است؛ آن کسی که حضرت علی(ع) را در محراب عبادت می‌کشد، ناقص‌العقل است و ارزش این مرواریدها و این گوهرها را نمی‌داند.

اگر جامعه در همان حدّ از نادانی و نقصان عقلی و فکری بماند، حضرت حجّت(عج) نخواهد آمد؛ چون قدرش دانسته نمی‌شود. اما اگر منتظران واقعی، از نظر علم و فکر و اندیشه به جایی برسند که ارزش این موعود الهی را بدانند، زمینه را برای حضور آن حضرت(عج) فراهم می‌کنند.

رسول گرامی اسلام(ص) فرمود: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛^۱ برترین اعمال امت من، انتظار فرج است؛ کدام انتظار؟ دست روی دست نهادن؟! یا خود را پاک کردن؟ انتظار فرج این است که تحوّل روحی پیدا کنیم و زمانی که از مسجد بر می‌گردیم، روحمان و فکرمان و برنامهٔ زندگی‌مان عوض بشود.

در محضر علماء هستیم، مخصوصاً آیت‌الله وافی که خداوند این‌شاءالله ایشان را موفق کند؛ ایشان مردی است که بهترین دوران عمرش را وقف این آستان مقدّس و این معبد جهانی کرده و این‌شاءالله موفق خواهد بود.

۱. شیخ کلینی؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۵.

۲. شیخ صدوق؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۶۴۴.

من حدیثی را می خوانم و ترجمه می کنم؛ این حدیث، ارزش گذار شماست تا ارزش خود را با امت های پیشین بسنجید. امام زین العابدین (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ، أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ»؛ همانا مردم اهل زمان غیبت امام زمان (عج) که قائل به امامت آن حضرت (عج) و منتظر واقعی ظهور آن حضرت (عج) هستند، از مردمان همه زمانها برترند.

انسان تعجب می کند که چگونه مردم این زمان که منتظر واقعی هستند، از اصحاب امام صادق (ع) بالاترند؟! اما دلیلش در ادامه روایت ذکر شده است: «لَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ»^۱؛ به خاطر اینکه خداوند تبارک و تعالی به این منتظران واقعی، چنان عقل و فهم و معرفتی داده که به سبب آن، غیبت در نزدشان به منزله مشاهده و حضور است!

چنان غیبت و حضور در نزدشان یکسان است که وقتی در این مسجد نشسته اند و ادعیه را می خوانند، گویا حضرت (عج) را می بینند و در کنار او نشسته اند. اگر ما واقعاً بتوانیم از نظر معرفت و کمال و فعالیت در این حد باشیم، خوشا به حال ما؛ چون اگر معصومین (ع) را ندیدیم، اما از نظر انتظار به حدی می رسیم که گویا معصوم (ع) را دیده ایم.

عرضم را با یک تذکر تمام می کنم. هر کسی باید در خانه و در تمام شئون زندگی اش، حضرت (عج) را مورد توجه قرار بدهد. گاهی از ما سؤال می کنند

۱. شیخ صدوق؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲. همان.

اینکه دعا می‌کنیم «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ ...»، مگر خداوند، حضرت (عج) را محافظت نمی‌کند؟! پس چه نیازی به دعای ماست؟

در پاسخ می‌گوییم که اولاً حضرت (عج) هم مانند انسانهای دیگر، ممکن است هدف بلا باشد و این دعای شما، بلا را از او دفع می‌کند. این همه ائمه (ع) و اهل بیت (ع) با سمّ جفا و شمشیر دشمن کشته شدند و حضرت حجت (عج) هم استثنائی نیست؛ لذا حضرت (عج) هم هدف بلایا و مصائب است و این دعای شما، بلا را از او رفع می‌کند.

ثانیاً این دعاها برای این است که ما به یاد حضرت (عج) باشیم و او را فراموش نکنیم؛ حضرت (عج) باید در دلها باشد؛ در خانواده‌ها، بر سر سفره‌ها، در مهمانی‌ها، در عروسی‌ها و در عزاه‌ها، مردم باید به یاد امام (عج) باشند و او را فراموش نکنند و بدانند که این امام منتظر و این موعود الهی خواهد آمد و باید خود و جامعه را برای ظهور آن حضرت (عج) آماده کنند.

و السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

بخش چهارم

سخنرانی

حضرت آیت الله

امامی کاشانی

سخنرانی حضرت آیت الله امامی کاشانی (دامت برکاته)

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

«هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ»
اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ
السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى
تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

سال روز ولادت مولایمان، وجود اقدس امام زمان (أرواحنا فداء) را به تمام
انسانهای حق جو، خاصه امت اسلام و به ویژه ملت بزرگ ایران و شیعیان
جهان تبریک عرض می کنم.

بحکم به قوه خدای متعال، در کلمه مقدسه ولی است. اینکه ولی یعنی

۱. او کسی است که باران را پس از آنکه ناامید شدند، نازل می کند و رحمت خویش را می گستراند؛ و
او ولی [و سرپرست] و ستوده است. سوره الشوری، آیه ۲۸.

چه؟ و آیا وجود ولیّ در روی زمین، از نظر علمی و فلسفی ضرورت دارد یا نه؟ پس از اینکه ما به این نکته رسیدیم که وجود ولیّ در روی زمین با برهان عقلی، ضروری است، نوبت به این می‌رسد که اگر ما به یاد ولیّ باشیم، چه هستیم و اگر به یاد او نباشیم، چه هستیم؟

کلمه ولیّ از اسامی خداست. آیه کریمه‌ای که تلاوت نمودم، در سوره شریفه شوری است. ترجمه آیه این است: «خداست که باران را می‌فرستد، پس از اینکه مردم زمین، از باران و رحمت خدا مأیوس شوند؛ و خداست که رحمتش را در زمین پهن می‌کند؛ و خداست که ولیّ است و چون ولیّ است، حمید است.»

حمید است، یعنی محمود است؛ یعنی تمام ستایشها از آن اوست؛ همه ثناها خاصّ اوست؛ غیر از خدا، کسی شایسته ثنا نیست؛ و آن کس هم که شایسته ثناست، در رابطه با خداست؛ و گرنه حمید فقط اوست؛ چون ولیّ اوست.

ولیّ یعنی آن کسی که قدرت عالم به دست اوست؛ این معنای ولیّ است. ولایت یعنی قدرت؛ ولایت یعنی سلطه بر عالم؛ ولایت یعنی توان تصرف در نظام وجود؛ ولایت یعنی عالم را ایجاد کردن؛ اینها همه کار خداست و بس. بنابراین، همه زیباییها به او مربوط است و همه حمدها در قلمرو اوست و خاصّ به حقّ متعال است.

این فشرده‌ای کوتاه بود از معنای اسم ولیّ؛ حالا سؤال این است که اسم ولیّ، ظهور دارد یا ندارد؟ باید در ابتدا مشخص شود، «ظهور دارد» یعنی چه؟

مثلی بزنم؛ آب در دل کوه است؛ ولی چشمه در دامن کوه، مظهر آن

آب است. آن چشمه، مظهر آن چیزی است که در دل کوه است. یا اینکه در زمین، قنات‌هایی است؛ چشمه‌آبی که از قنات می‌جوشد، مظهر این قنات است و پایگاه ظهور این قنات است.

این نوری که شما در این جلسه ما می‌بینید؛ این همه لامپ و این نور، جریانی به نام برق دارد که در سیم است. این جریان الکتریسیته در کارخانه برق تولید می‌شود؛ ولی ظهورش در این نوری است که در این لامپ است؛ ظهورش در این چراغی است که ما می‌بینیم. بنابراین، برق مظهری دارد و مظهرش این چراغ است. ما از این چراغ می‌فهمیم که برق در سیم وجود دارد؛ از آب چشمه‌ای که از دامن کوه جاری است، می‌فهمیم که در دل کوه آب وجود دارد که این آب از آن منبع می‌جوشد. بنابراین، معنای مظهر یعنی جایی که آن حقیقت پنهان، آشکار می‌شود.

خدا، ولی است؛ این اسم باید ظهور داشته‌باشد؛ این اسم باید انعکاس داشته‌باشد. چگونه انعکاس داشته‌باشد؟ یعنی باید چیزی باشد که از قماش همان قدرت باشد تا شما بگویید او مظهر ولی است.

این یک برهان قوی فلسفی است که ما قطع نظر از احادیث و قطع نظر از آیات قرآن، باید بپذیریم که در روی زمین، همواره ولی وجود دارد. این بحث، بحثی است که منحصر به جهان اسلام نیست؛ حالا ممکن است بعضی‌ها بگویند که فقط شیعه این را می‌گوید؛ ولی این سخن، سخن اسلام است، نه فقط شیعیان؛ بلکه سخن توحید است.

بنده گاهی این بحث را با فیلسوفان مسیحی داشتم؛ آنها هم به همین مطلب معتقد بودند که ولایت خدا، نیاز به مظهری به عنوان ولی خدا دارد. تنها تفاوت مسیحیان با ما این است که آنها می‌گویند: «عیسی (ع) مظهر

ولایت خداست.» و به همین خاطر می‌گویند که عیسی (ع) زنده است؛ اگر عیسی (ع) فوت کرده باشد، ولایت خدا بدون مظهر است و اسم خدا که ولی است، اسمی پوچ و بی‌مغز و بی‌محتوا می‌شود.

این اسم، وقتی محتوا دارد که انسانی در روی زمین، نمادی از آن ولی باشد؛ بروز و ظهوری از آن ولی باشد و این را بر مسیح (علیه السلام) منطبق می‌کنند. این را فلاسفه مسیحی می‌گویند. گیتون، از فلاسفه معروف فرانسه که با بنده درباره این موضوع صحبت می‌کرد، می‌گفت: «ما از نظر فلسفی معتقدیم و کاری هم به انجیل نداریم؛ چه اناجیل ما بگوید، چه نگوید، ما از نظر فلسفی و از نظر علمی عقیده داریم که نمی‌تواند انسان کاملی روی زمین، به عنوان مظهر ولی خدا نباشد.»

پس به اینجا رسیدیم که ولایت خدا باید بروز کند و ظهور کند؛ ظهورش هم در چهره انسانی است که آن انسان بتواند کار خدا را که ولی است، در قدرت و محدوده انسانی پیاده کند. بنابراین، معنای اینکه می‌گویند امیرالمؤمنین (ع) ولی خداست یا شیخ‌الأنبیاء حضرت ابراهیم (ع) ولی خداست یا حضرت نوح (ع) ولی خداست، یعنی او کار خدا و قدرت خدا را در عالم، از دریچه خودش منعکس می‌کند.

نکته مهم این است که ولی به چه دلیل به این نقطه می‌رسد؟ یعنی ابراهیم خلیل (ع) به چه دلیل به این مقام رسید؟ موسی و عیسی (علیهما السلام) با چه برهان و بر چه اساسی به این نقطه رسیدند؟ امروز امام زمان (أرواحنا له الفداء) با چه بیانی چنین جایگاهی و چنین مقامی را دارد؟ دلیلش چیست؟

من دلیلش را به صورت فشرده عرض می‌کنم؛ چون ولی خدا، به خدا وصل می‌شود؛ وقتی به خدا وصل شد، این قدرت را از خدا می‌گیرد. ولایت هم به

معنای وصل است. اینکه می‌گویند این سخن و آن سخن، متوالی گفته‌شد، یعنی پشت سر هم گفته‌شد؛ اینکه می‌گویند این آدم و آن آدم در توالی هم قرار گرفتند، یعنی در کنار هم قرار گرفتند. بنابراین، وقتی انسانهای بزرگ به مقام ولایت می‌رسند و ولایت دارند، یعنی وصل به خدا هستند.

حالا چرا به خدا وصل هستند؟ چون رفتار و حرکاتشان، حرکاتی است که در روایت آمده؛ در حدیث قدسی است که این حدیث را هم علما و محدثین اهل سنت نوشته‌اند و هم علمای شیعه که رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از خداوند جَلَّ وَعَلَا نقل می‌کند:

«لَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ مُخْلِصًا لِي حَتَّى أُحِبَّهُ؛ فَإِذَا أُحِبَّبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا»؛
 بنده من همواره با کار خوب و خالصانه به من نزدیک می‌شود. منظور از نوافل هم فقط نمازهای نافله نیست؛ با خوبی‌ها و عبادت‌های مختلف، با خدمات مختلف به انسانها، با نیت پاک و با دست و چشم پاک و با فکر و دل پاکیزه، مرتباً به من نزدیک می‌شود تا اینکه او را دوست می‌دارم. پس هنگامی که او را دوست بدارم، من می‌شوم گوش او که با آن می‌شنود؛ و من می‌شوم چشم او که با آن می‌بیند؛ و من می‌شوم دست او که با آن کار می‌کند؛ یعنی چنین کسی، چشمش می‌شود خدایی؛ گوشش می‌شود خدایی و دست و پایش می‌شود خدایی.

بنابراین، دلیل اینکه کسی ولی خدا می‌شود، این است که به خدا وصل می‌شود و در راه خدا کار می‌کند. گرچه اولیاء خدا از بن و ریشه هم در نطفه

و در شرایط تکوّنشان، اصلی وجود دارد؛ ولی آن دلیل دیگری است؛ اینها عملاً همه حرکاتشان خدایی است و لذا قدرت را از خدا می‌گیرند. یعنی خداوند، نظام را زیر پایشان می‌گذارد و زمین را دستشان می‌دهد و وضع عالم را در اختیارشان می‌گذارد. این معنای ولی و ولایت است و این هم به خاطر این است که به خدا نزدیک هستند و قُرب به حق دارند.

در این مورد در کتاب کمال الدین و تمام النعمه از شیخ صدوق (أعلى الله مقامه) حدیثی هست از محمد بن عثمان عمری که سفیر دوم امام عصر (أرواحنا له الفداء) بوده‌است. یک نفر از دوستان و یاران از او می‌خواهد که نامه‌ای به امام عصر (عج) بنویسد که شما با اینکه در پرده غیب هستید، چه نقشی بر روی زمین دارید؟

محمد بن عثمان مکاتبه می‌کند و سؤال را از حضرت (عج) می‌پرسد. حضرت (عج) پاسخ می‌دهد: «وَ إِنِّي لِأَمَانٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»؛ من برای اهل زمین، امان هستم؛ من امان روی زمینم؛ یعنی اگر من نباشم، عالم به هم می‌ریزد؛ اگر من نباشم، زمین منقرض می‌شود.

این معنای ولایت است؛ لذا در روایات ما درباره قیامت چنین آمده‌است که وقتی ولی خدا از دنیا برود، چند روزی نمی‌گذرد که عالم منقرض می‌شود؛ چون زمین نمی‌تواند بدون ولی خدا و بدون انسان کامل باشد.

تا اینجا بحث ما در رابطه با ولایت خدا و ولایت ولی خدا بود. حالا مقداری هم درباره خودمان صحبت کنیم؛ یعنی بنده و شما که ولایت امام زمان (أرواحنا له الفداء) را داریم، چه باید بکنیم؟ این ولایت، چه نقشی بر

زندگی و چه تأثیری در اعمال و افکار ما دارد؟ این نکته سوم است. توجه به ولی خدا در زندگی ما اثر می‌گذارد. توجه به ولی خدا، یعنی اینکه انسان خودش را با ولی خدا منطبق کند؛ یعنی خودش را با اخلاق او، با روش و نظر او، منطبق کند و ببیند امام عصر(عج) از او چه کاری را می‌خواهد. همان طوری که امام زمان(عج) وقتی می‌بیند خدا از او چه می‌خواهد، همان را انجام می‌دهد و می‌شود ولی خدا، من و شما هم باید ببینیم امام عصر(عج) از ما چه می‌خواهد تا بفهمیم آیا ما ولی امام عصر(عج) هستیم و امام زمان(عج) ولی ما هست یا نه؟

امام زمان(عج) ولی ماست، یعنی او بر ما قدرت دارد و سرپرست و مدیر و مدبر ماست؛ و ما ولی امام زمان(عج) هستیم، یعنی ارادتمند او هستیم و مطیع او هستیم. پس معنای ولایت ما نسبت به امام عصر(عج) و اینکه ما با او باشیم، این است که ما آن راهی را برویم که او می‌خواهد.

ببینید در نمازهای شبانه‌روز، در سوره مبارکه حمد چه می‌خوانیم؟ می‌خوانیم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»؛ نماز امام زمان(عج) هم، صد بار «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» دارد. حالا قدری روی این «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» تأمل کنیم و رابطه‌مان را با امام عصر(عج) ترسیم کنیم.

به نمازهایی که در مفاتیح‌الجنان از ائمه(ع) است، نگاه کنید؛ مثلاً نماز رسول اکرم(ص)، نماز امیرالمؤمنین(ع)، نماز حضرت فاطمه(س)؛ این نمازها هر کدام آدابی دارد؛ ولی به نماز امام زمان(عج) که می‌رسیم، در رکعت اول صد بار «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» و در رکعت دوم هم صد بار «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» دارد؛ نقش این دستور چیست؟

البته در نمازهای شبانه روز هم این ذکر را می‌گوییم؛ ولی این نماز توجه به حضرت (عج) چرا این چنین است؟ مطلبی که می‌گوییم، چیزی نیست که دلیل حدیثی داشته باشد؛ استنباط شخصی است و آنچه را که می‌فهمم، عرض می‌کنم؛ معنای واضح «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» این است که «خدایا! ما تنها تو را عبادت می‌کنیم و تنها از تو کمک می‌گیریم.»

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، اول عبادت خدا مطرح می‌شود و بعد کمک خواستن از او؛ بین عبادت ما و بین کمک خدا ارتباطی برقرار است. نمی‌گوییم «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ وَ إِيَّاكَ نَعْبُدُ»؛ از تو کمک می‌گیریم و بعد هم عبادت می‌کنیم؛ نه، اول می‌گوییم «تو را عبادت و بندگی می‌کنیم» و بعد می‌گوییم «از تو کمک می‌گیریم.»

بنابراین، بین بندگی و اطاعت خدا و کمک گرفتن از خدا رابطه است؛ یعنی الآن که نماز می‌خوانید، با خدا، یک داد و ستدی انجام می‌دهید. چه می‌دهید و چه می‌گیرید؟ آنچه می‌دهید این است که عبادت می‌کنید و آنچه می‌گیرید این است که کمک می‌خواهید.

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»؛ تنها تو را عبادت می‌کنیم و تنها از تو کمک می‌گیریم؛ پس «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» کار ماست و «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» کار خداست. این یک رابطه است و یک سنت خدا است؛ این قانون عالم است؛ تا ما جلو نرویم، دست ما را نمی‌گیرند. باید جلو برویم و دستان را دراز کنیم تا دست ما را بگیرند! این یک حقیقتی است؛ «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»؛ یعنی خدایا! من تو را عبادت می‌کنم، بنابراین دست من را بگیر.

ولی در نماز امام زمان (عج) ما این ذکر را صد بار می‌گوییم. این صد بار

گفتن، تأکید همین نکته است؛ صد بار گفتن، فشار و تأکید روی این داد و ستد است؛ صد بار گفتن، اهمیت دادن به این معامله است.

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾؛ یعنی من بنده تو هستم، پس به من روزی بده؛ من تو را عبادت می‌کنم، پس حاجتم را روا کن؛ من عرض ادب می‌کنم، پس بیمارم را شفا بده؛ من عبادتت می‌کنم، پس این کار مرا انجام بده؛ من راست می‌گویم، پس این کار مرا انجام بده؛ من به تقوا توجه دارم و فردی هستم که در میان جوانان، به حجاب و پوششم اهمیت می‌دهم، پس تو به من کمک کن.

مرتباً می‌گویم خدایا! من چنین هستم، پس به من بده؛ من مال حرام نمی‌خورم، پس به من روزی حلال بده؛ من در خدمت دیگران هستم، پس مرا یاری بده.

مرتباً می‌گویم این تقدیم من و این هم لطف تو؛ این راه من و این هم عنایت تو؛ این ارادت من و این هم فیض تو. ما در این دو رکعت نماز امام زمان (عج) دویست بار چنین ذکر را می‌گوییم؛ یعنی مرتباً داریم با خدا معامله می‌کنیم.

از چیزهایی که در کتابها نیست، جمله‌ای برایتان بگویم. آقای مشکلی داشت و برای حل این مشکل، به او گفته بودند که اذکار یونسیه را بخواند و به این ذکر متوسل بشود. اذکار یونسیه چیست؟ اذکار یونسیه را مختلف گفته‌اند؛ چون سینه به سینه، آنهایی که اهل ذکر و ورد هستند، آن را نقل کرده‌اند.

آنچه بیش از همه معروف است، این است که ذکر ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ^۱ را هفتاد هزار بار بگویند؛ یعنی در چهل شب، هر شب، هزار و هفتصد و پنجاه بار.

آن آقا هم چهل شب، به ذکر یونسیه توسل پیدا کرد؛ تا چهل شب انجام داد و خبری هم نشد. مدتی گذشت و دوباره همین ذکر را شروع کرد. ده بیست شب این ذکر را گفته بود که شخص دیگری خوابی دید و برای او نقل کرد؛ به او گفت که من حضرت امام زمان (عج) را در خواب دیدم؛ حضرت به من فرمود: «به فلانی بگو که به ما متوسل شود و آن ذکر را رها کند.»

او هم به امام زمان (عج) متوسل شد و مشککش حل شد؛ با توسل به همین «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» و همین دو رکعت نماز، گره از زندگی اش باز شد؛ همین دو رکعت نمازی که در همه جا قیمت دارد، مخصوصاً در مسجد مقدس جمکران؛ چون توجه خاصی به این نقطه شده است. خدای متعال برای توجه به خودش، بقعه‌هایی را بر روی زمین قرار داده، که یکی از آنها همین مسجد مقدس جمکران است.

نکته دیگری که باید گفته شود، این است که خدا می‌خواهد فضای جامعه، فضای توسل به امام زمان (عج) بشود. خدا می‌خواهد جامعه اسلامی و کم‌کم جوامع توحیدی و همه ادیان مختلف، متوجه به منجی و مصلح بشوند و فضای جهان، چنین فضایی بشود. به خاطر این است که وقتی توسل به آن ذکرها می‌کنند، به آنها گفته می‌شود که به امام زمان (عج) متوجه بشوید و از او بخواهید.

در دعاها هم همین‌طور است؛ یعنی توجه به فرج حضرت (عج) و درخواست

۱. [خداوند!] جز تو معبودی نیست؛ تو پاک و منزهی! من از ستمکاران بودم. سورة الانبياء، آیه ۸۷

ظهور او زیاد است؛ مثلاً در دعایی که از امام رضا(ع) روایت شده، درباره حضرت ولی عصر(علیه السلام) عرض می‌کنیم:

«اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَ ارْتُقْ بِهِ الْفُتُقَ وَ امِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَ اظْهَرْ بِهِ الْعَدْلَ»^۱؛ خدایا! پراکندگی‌های مردم را به وجود امام زمان(عج) به وحدت و پیوستگی تبدیل کن و شکافها و روزنه‌های جامعه را که از هم پاشیده شده، به هم وصل کن و به وسیله امام زمان(عج) ظلم و جور و ستم را بمیران و به وسیله او عدل را در دنیا آشکار کن.

«وَ اقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّالَّةِ ... وَ مُقَوِّبَةَ الْبَاطِلِ»^۲؛ سرکردگان و سران گمراهی و تقویت‌کنندگان باطل را به وجود او بشکن و نابود کن.

«اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ»^۳؛ خدایا! سرزمین‌هایت را از وجود این کفار و ستمگران و دشمنان حق پاک کن و قلب بندگان را از دست این گمراهان شفا بده.

همه این فرازها یعنی اینکه ما به امام زمان(عج) توجه داریم. بعد در آخر دعا به خودمان متوجه می‌شویم و می‌گوییم:

«وَ اَعِدْنَا مِنَ السَّامَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفُتْرَةِ»^۴؛ خدایا! ما را از خستگی و تنبلی و سستی در طاعت، در پناه خودت قرار بده تا خسته و مایوس نشویم و کسل و تنبل نشویم.

نگوییم چند بار نماز امام زمان(عج) خواندیم؛ ولی حاجت ما روا نشد!

۱. شیخ طوسی؛ مصباح‌المتهجد، ص ۴۰۹.

۲. شیخ طوسی؛ مصباح‌المتهجد، ص ۴۱۰.

۳. همان.

۴. شیخ طوسی؛ مصباح‌المتهجد، ص ۴۱۱.

نگوییم چند بار به مسجد جمکران متوسّل شدیم؛ ولی دعای ما مستجاب نشد! نه، خدایا! من را نجات‌بده از کسالت و از فترت و سستی و یأس و ناامیدی.

جامعه باید پُر از نشاط باشد؛ پُر از نشاطِ توسّل به امام عصر (أرواحنا له الفداء). استمداد از امام عصر (عج)، چیزی است که از ما خواسته شده‌است و ما باید جامعه را به این اصل متوجّه کنیم.

الآن تمام دنیا به نحوی به مسئله منجی موعود توجّه دارد. مسیحیان به مسیح فکر می‌کنند و بحث مسیح‌باوری را در دنیای بشریت مطرح می‌کنند؛ تا آنجا که حتی بودایی بی‌دین هم مسیح‌باور شده‌است و حتی هندوها هم که اصلاً دین ندارند، می‌گویند مایتریا خواهد آمد. در این فضا، ما باید عالم را به این نکته توجّه دهیم که منجی واقعی، امام زمان و فرزند فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و ولیّ خدا است؛ ما وظیفه داریم مردم جهان را به این مسجد مقدّس جمکران متوجّه کنیم.

امیدوارم دوستان، مخصوصاً برادر بزرگوارمان حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای وافی و تمام یاران و همکارانشان که این مسجد مقدّس جمکران را با برنامه و نظم جلو می‌برند، باعث شوند که ان شاء الله هر چه بیشتر به این مسجد توجّه شود و مردم به نماز و عبادت در اینجا بیشتر رو بیاورند و در کلّ به حضرت (عج) توجّه داشته‌باشند.

اینکه صدا و سیما از اینجا، صدایی و ندایی را که مربوط به امام عصر (عج) است، پخش می‌کند، قابل تقدیر است؛ چرا که فضای کشور باید به نام حجة بن الحسن المهدی (أرواحنا له الفداء) معطر شود و همین کارها برای ما آثار وضعی دارد و در زندگی مردم جامعه تأثیر می‌گذارد.

برادران و خواهران! فرزندان و جوانان عزیز! اهمّیت به نماز، اهمّیت به تقوا، اهمّیت به حجاب، اهمّیت به حلال و حرام، در زندگی انسان تأثیر دارد. نگاه از روی گناه، فکر گناه و راه گناه، به زندگی انسان لطمه می‌زند.

این گناه‌ها، چیزهایی است که نمی‌خواهم بگویم رابطه با امام عصر(عج) را قطع می‌کند؛ نه، چون بنا بر این است که امام زمان(عج) دستشان بر بالای سر همه باشد؛ ولی از آنجا که نظام عالم، نظام داد و ستد و نظام معامله است، این گناه‌ها بر معامله ما اثر سوء می‌گذارد. ما که بر اساس «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» می‌خواهیم از او بگیریم، باید دل را آماده کنیم؛ باید همه وجودمان را آماده کنیم و مایوس نشویم و امیدوار باشیم.

خوشبختانه الآن کشور ما، پایگاه امام زمان(عج) است. خداوند رحمت کند امام راحل را؛ صلوات و درود خدا و فرشتگان خدا بر روح بلند امام راحل و همه شهدای ما که این نظام جمهوری اسلامی را پی‌ریزی کردند و این پرچم با این عظمت را بر فراز این کشور به اهتزاز درآوردند. دنیای کنونی هم که دنیای کفر و دنیای ضلالت است، به خاطر مقابله با این پرچم است که با ایران مخالفت می‌کند.

در پایان عرایضم، حدیثی بخوانم که سندش معتبر است. این حدیث را شیخ صدوق(ره) از پدر بزرگوارش و از استاد خودش محمد بن حسن ولید(ره) نقل می‌کند؛ پدر و استاد شیخ صدوق(ره) هر دو از عبدالله بن جعفر حمیری(ره) - که از شخصیت‌های برجسته است - نقل می‌کنند.

من روایت را برای شما نقل به مضمون می‌کنم. عبدالله بن جعفر حمیری(ره) همراه با احمد بن اسحاق(ره)، خدمت محمد بن عثمان بن سعید عمّری(ره)، نائب امام زمان(عج)، بوده و به او می‌گوید:

می‌خواهم جمله‌ای را به تو بگویم که ابراهیم خلیل (ع) به خدا گفت؛ او گفت: «خدایا! من باور دارم که تو مرده را زنده می‌کنی؛ ولی به من نشان بده که چگونه مرده را زنده می‌کنی؟!» خدا فرمود: «مگر ایمان نداری؟» ابراهیم (ع) گفت: «بَلَىٰ وَ لَکِن لِّیَطْمَئِنَّ قَلْبِی»؛ بله، ایمان دارم؛ ولی می‌خواهم دلم مطمئن شود.» حالا به شما می‌خواهم بگویم که من به صاحب شما ایمان دارم؛ ولی دلم می‌خواهد به من بگویی که «هَلْ رَأَيْتَ صَاحِبِی؟»؛ آیا چهره صاحبم را دیده‌ای؟

جناب عمری دو دستش را به گردن خودش گذاشت و گفت: «نَعَمْ وَ لَهُ عُقٌّ مِثْلُ ذِی»؛ بله، دیده‌ام و گردنی دارد مثل این گردن من. عبدالله بن جعفر حمیری (ره) می‌گوید: «قُلْتُ فَالِإِسْمُ؟»؛ گفتم اسمش چیست؟

جناب عمری پاسخ می‌دهد: «إِیَّاکَ أَنْ تَبْحَثَ عَنْ هَذَا؛ فَإِنَّ عِنْدَ الْقَوْمِ أَنَّ هَذَا النَّسْلَ قَدْ انْقَطَعَ»؛^۵ اصلاً پرهیز از اینکه از اسمش بحث کنی و بررسی؛ چرا که این قوم معتقدند که نسل امام عسکری (ع) قطع شده است. با بیان این روایت، خواستم عرض کنم که در آن زمان هم افراد خاص و علاقه‌مندی بودند که عاشق امام زمان (عج) بودند؛ ولی دشمن هم مترصد بود و می‌خواست حضرت را پیدا کند و به قتل برساند.

۱. سورة البقرة، آیه ۲۶۰.

۲. شیخ صدوق؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱.

۳. همان.

۴. شیخ صدوق؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۲.

۵. همان.

امروز هم استکبار جهانی به دنبال این است که این فکر و این جریان را بمیراند و از بین ببرد. اینکه پیغمبر اکرم (ص) فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي»^۱، الآن دشمن می خواهد این تفکر و این حرکت در انتظار مصلح و منجی بودن را از بین ببرد.

بنابراین، چه شایسته و بجا است فضای «یا صاحب الزمان»؟! چه بجا است فضای «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ...»؛ چقدر اهل بیت (ع) دوست دارند که فضا به وجود اقدس امام عصر (عج)، این چنین معطر و نورانی شود.

ای ولی عصر (عج)! ما همه به انتظار تو هستیم؛ چشمانمان به راه توست؛ کئی شود که این امید به نتیجه برسد و تو بیایی و به دیوار کعبه خدا تکیه بدهی و ندایت عالم را بپرکنی: «یا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ! أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ وَ شَيْثٍ فَهَذَا أَنَا ذَا آدَمَ وَ شَيْثٌ»^۲؛ ای مردم! آگاه باشید اگر کسی می خواهد به آدم و شیث بنگرد، همانا من آدم و شیث هستم! ... من ابراهیم هستم؛ من اسماعیل هستم؛ من موسی هستم؛ من عیسی هستم.

«أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا، فَهَذَا أَنَا ذَا مُحَمَّدٍ (ص) وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع)؛ أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ (ع)، فَهَذَا أَنَا ذَا الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ؛ أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ (ع)، فَهَذَا أَنَا ذَا الْأَئِمَّةِ (ع)»^۳؛ آگاه باشید اگر

۱. مهدی از فرزندان من است. شیخ صدوق؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹.

۳. همان.

کسی می‌خواهد به محمد(ص) و علی(ع) بنگرد، مرا ببیند؛ هر که می‌خواهد حسن(ع) و حسین(ع) را ببیند، پس همانا من حسن(ع) و حسین(ع) هستم؛ هر کس می‌خواهد به امامان از نسل حسین(ع) نگاه‌کند، به من بنگرد که من همه ائمه(ع) هستم؛ یعنی ولایت همه آنان در من جمع است.

خدایا! به ولایت او قسمت می‌دهیم که به این پرچم ولایت، اقتدار بیشتری مرحمت بفرما. خدایا! به صاحب ولایت، قسمت می‌دهیم که به ولایت فقیه و نظارت و تدبیر و مدیریت فقه و تقوا - که در عصر امام(ره) به دست امام(ره) بود و در عصر ما به دست رهبر معظم انقلاب است - در این کشور، اقتدار بیشتری مرحمت بفرما. خدایا! این نظام جمهوری اسلامی را به حکومت امام زمان(عج) وصل بفرما.

ای امام عصر(عج)! «یا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِنَّا بِبِضَاعَةِ مُرْجَاةٍ»^۱؛ امروز روز ولادت شما بود و مردم به شما عرض ادب می‌کنند؛ ای امام زمان! ای عزیز هستی! ما دو رکعت نماز با صد بار «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» خوانده‌ایم؛ از راه‌های دور به اینجا آمده‌ایم و به یاد شما بودیم؛ این بضاعت ماست؛ این بضاعت ما را بپذیر. ای امام زمان! این گفتن‌ها و شنیدن‌ها، سرمایه ماست؛ این سرمایه ما را رد نکن و از ما بپذیر؛ «فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا»^۲.

ای امام عصر(عج)! این عرض ارادت و این بضاعت ما را با همه اشکالاتی

۱. ای عزیز! ما و خاندان ما را ناراحتی فراگرفته و با سرمایه‌ای ناچیز آمده‌ایم! سوره یوسف، آیه ۸۸

۲. پس پیمان‌ها را برای ما کامل کن و بر ما تصدق کن و ببخشای. سوره یوسف، آیه ۸۸

که دارد، با همهٔ ضعفهایی که دارد، با همهٔ تاریکی‌هایی که دارد، با آن صحیفهٔ اعمال ما که سراسر گناه است، بپذیر.

امام عصر(عج)! تو این گناهان را نگاه‌نکن؛ این صداها و این اشکها را بپذیر؛ این نگاه به خودت را بپذیر؛ این یادِ خودت را بپذیر؛ چون تو عزیز هستی؛ تو ولیّ خدایی و مجرای فیض خدا هستی؛ تو فیض خدا را می‌گیری و به ما می‌دهی، ﴿فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا﴾؛^۱ به ما صدقه بده؛ تو غنی هستی و ما فقیر و محتاجیم؛ تو محتاج نیستی؛ چون خدا همه چیز را در اختیار تو قرار داده‌است.

ای عزیز فاطمه(س)! ای عزیز زهرا(س)! ای آیت عظمای پروردگارا! مردم گرفتارند؛ مشکلات مسلمین زیاد است؛ آن مشکلات فلسطین و لبنان و افغانستان؛ آن مشکلات مختلف مسلمانها؛ گرفتاری‌هایی که نظام جمهوری اسلامی دارد؛ مشکلات پسران و دختران ما، همهٔ مشکلات را با یک نظر لطف، برطرف کن.

ای حجت خدا! تو اگر دستت را به سوی خدا دراز کنی، خدا دست تو را بر نمی‌گرداند؛ ما مطمئن هستیم و یقین داریم که خدا دست تو را بر نمی‌گرداند؛ تو را قسمت می‌دهیم به حقّ علی(ع) و فاطمه(س)، دستت را به درگاه الهی دراز کن و از خدا بگیر و بر ما فرو بریز و از ما به نظر عفو، قبول بفرما.

وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

۱. پس پیمانۀ را برای ما کامل کن و بر ما تصدّق کن و بیخشای. سورهٔ یوسف، آیهٔ ۸۸

بخش پنجم

گزیده سخنرانی
حجت الاسلام و المسلمین
سید احمد خاتمی

گزیده سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سیداحمد خاتمی (زیدعزه)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؛ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

در مکان بسیار مقدس، در زمانی بسیار مقدس و همراه سبزیپوشان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سپاهیان عزیزی که افتخار اسلام و افتخار محبت اهل بیت (ع) هستند، این مجلس ولایت شکل گرفته است.

ما این مکان مقدس و این مسجد جمکران را تنها به خواب نمی شناسیم؛ من معتقدم آن طور که اتفاق افتاده، در بیداری بوده است. مهم تر از آن، اهتمام علمای بزرگ به این مکان مقدس است که این اهتمام، سندش محکم تر از هر سند دیگری است. مرحوم حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، هشتاد سال پیش که این حوزه را بنیاد نهاد، با توسل به آقا امام زمان (عج) در این مکان مقدس، مشکلات حوزه را در آن دوره بحرانی حل کرد.

مرحوم آیت الله العظمی بروجردی که پانزده سال زعامت شیعه را بر

عهدہ داشت و فقیہی دلیر و امام شناس بود، می گفت: «اگر می توانستم همه نمازهای واجبم را در مسجد جمکران بخوانم، این کار را می کردم.» امروز، این مکان مقدّس، ملجأ و مأوای علمدار لشکر اهل بیت (ع) آیت الله العظمی حاج سید علی خامنه‌ای است. این بزرگ‌مرد، مشکلات کشور را علاوه بر مشاوره و کارشناسی‌های فراوان، با توسّل به آقا بقیّة الله الأعظم در این مکان مقدّس حلّ می‌کند. این مکان مقدّس، کلید نهایی حلّ مشکلات کشور است. بنابراین، با این اهتمام علمای بزرگ، جای هیچ تردیدی در قداست این مسجد وجود ندارد.

امشب، شب نیمه شعبان است؛ شبی است که در غیر ماه مبارک رمضان، تنها شبی است که در عظمت، هم‌رتبه شب قدر است. شب ولادت آخرین امید در جهان هستی است. امشب چه خبر است؟ امشب قرار است مهدی (عج) بیاید. ابتدای شب دیدند هیچ نشانی از وضع حمل نیست. پاسی از شب گذشت؛ نزدیک طلوع فجر بود که امام حسن عسکری (ع) فرمود: «سوره قدر بخوانید: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ...﴾»

چرا سوره قدر؟ چون سوره قدر، سوره امام زمان (عج) است؛ چون در شب قدر، طبق آیه ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ﴾، همه فرشتگان به زمین می‌آیند. میزبان این همه فرشته کیست؟ چه کسی جز امام معصوم (ع) سنخیت با این همه مهمان مقدّس دارد؟ وجود مقدّس امام زمان (عج) میزبان فرشتگان در نیمه شعبان است. سوره قدر متعلق به امامی است که با وجودش، جهان را روشن کرد.

وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

بخش ششم

سخنرانی

حجت الاسلام والمسلمین

صدیقی

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین صدیقی (زید عزه)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَ آلِهِ الْمُعْصُومِينَ، سَيِّمَا مَوْلَانَا كَهْفِ الْحَصِينِ، غِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ،
مَلْجَأِ الْهَارِبِينَ، بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْعَالَمِينَ، أَرْوَاحِنَا فِدَاهُ وَ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ وَ رَزَقَنَا
اللَّهُ رُؤْيَيْتَهُ وَ خِدْمَتَهُ، وَ اللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.
﴿وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾^۱

جهت سلامتی، نشاط و تعجیل در ظهور شریف صاحبمان و جانمان،
عمرمان و هستی مان، بهشتمان، دینمان و ایمانمان، آقا و مولایمان حضرت
مهدی (عج)، صلواتی مرحمت بفرمایید.

در ارتباط با وجود شریف عزیز خدا، عزیز انبیاء، عزیز پیامبران و عزیز
عزیزان عالم، حضرت مهدی منتظر (عج)، باید گفت: از آن جهت که ایشان
قرآن ناطق است و قرآن هم دریای بی ساحل است، وجود نازنین حضرت هم،

۱. و [در آن روز] زمین به نور پروردگارش روشن می شود. سوره الزمر، آیه ۶۹

دریای بی ساحل است. کسی نمی تواند ایشان را کیل کند و اندازه گیری کند. هیچ فکری، هیچ عقلی، هیچ قلمی، هیچ فیلمی و هیچ هنری، قدرت تصویر زیبایی های حضرت حجّت (عج) را ندارد. وجودی است که صفات خدا در این وجود، انعکاس دارد؛ اسماء جلالیه و جمالیّه خداوند در وجود امام زمان (عج) موج می زند؛ ولی از این دریای بی کران، به هر کس به مقدار تشنگی اش، آب گوارا نصیب می شود.

امشب که هم شب جمعه است و هم شب آخر این محفل نورانی است، در این مسجد امام زمان (عج)، در این قدمگاه حضرت مهدی (عج)، در این موعده عاشقان یوسف فاطمه (س)، در این پناهگاه پناهجویان امام دوازدهم (ع)، در این دارالشفاء و درمانگاهی که دردمندان از هر گوشه ای به امید درمان، قدم به اینجا می گذارند، من هم امشب دردهایی دارم؛ مثل شما، من هم درد فراق دارم؛ من هم درد هجران دارم. امشب خیلی امید داریم که حضرت، به هر حال، ما را کاسه لیس خودشان به حساب بیاورند.

این سفره، چند شبی است که پهن است. مهمانهای حضرت، شبهای گذشته آمدند و پذیرایی شدند. امشب که دارند سفره را جمع می کنند، ما آمده ایم تا از این ریزه های سفره که به کنار ریخته می شود، یک ذره هم گیر ما بیاید. ما هم چشم به آب رحمت او دوخته ایم؛ ما هم خودمان را قاتی شما کرده ایم.

این طور که برای من نقل کرده اند، این خادمان حضرت (عج)، چند روز است که به خانه هایشان نرفته اند؛ شب و روز، اینجا سفره گستر بوده اند و زحمت کشیده اند. حضرت (عج) قطعاً به اینها عنایت دارد؛ خود آقا، این افتخار را به این خادمان داده اند. ما هم خودمان نیامده ایم؛ شاید صلاح دیده اند که

امشب، ما جاروکش دلها باشیم.

آنچه که به ذهن من رسید تا مطرح کنم، بحث برکات وجودی حضرت حجّت(عج) است. از وجود نازنین ایشان برای عالم، برای آدمیان، خصوصاً برای شیعیان و به ویژه برای متوسّلین، چه برکاتی حاصل می‌شود؟

در قدم اوّل، برکت وجود حضرت(عج)، در عالم امکان است. خدای متعال به ما وجودی داده که اگر ما وجود خودمان را بشناسیم، خدا را می‌شناسیم.

از بین عرفای بزرگی که ما امروز می‌شناسیم، حضرت آیت‌الله بهجت(حفظه‌الله) را داریم که استادشان آمیرزا سیّدعلی قاضی(ره) بوده و استاد ایشان هم آسیداحمد کربلائی(ره) بوده‌است. استاد آسیداحمد کربلائی(ره)، جناب ملاحسین قلی همدانی(ره) بوده که استاد ایشان هم آسیدعلی شوشتری(ره) بوده و استاد ایشان هم حسین ملاقلی جولای(ره) بوده که شاگرد شخص شخیص قطب عالم و ناموس دهر، امام زمان(عج) بوده‌است.

جناب حسین ملاقلی جولای(ره) از رجال الغیب خود حضرت(عج) بوده‌است و مطمئناً حضرت(عج) به جناب ملاقلی(ره) مأموریت دادند که مرحوم آسیدعلی شوشتری(ره) را از این جهان جدا کند و به طرف خدا انقطاع الی الله بدهد. آسیدعلی شوشتری(ره) هر چه داشت، از دست داد تا خدا را یافت. تا کسی دل به غیر خدا داده‌است، از نور خدا چیزی نمی‌یابد. هر وقت همه تعلقات و وابستگی‌هایمان و همه زنجیرهای اسارت‌مان را توانستیم قطع کنیم، آن روز، خدا خودش را به ما نشان می‌دهد.

خدا با غیر، جمع نمی‌شود: ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ﴾؛

خداوند برای هیچ کس، دو قلب در درونش قرار نداده است. آدم خودخواه و خودبین، آدم مقام طلب و شهرت طلب، آدم بوالهوس و شهوتی، اگر بگوید من می خواهم امام زمان (عج) را ببینم، حرفش فقط شوخی است! با این حجابهای ضخیم، نمی شود امام زمان (عج) را دید.

آینه شو، وصال پری طلعتان طلب

اول بروب خانه، دگر میهمان طلب

سیره معرفتی این سلسله عرفا که به خود امام زمان (عج) می رسد، شناخت خدا از طریق شناخت خود است. اولین چیزی که این بزرگان به دنبالش می گردند، خودشان هستند.

ما خودمان را گم کرده ایم، ولی هیچ باکمان نیست و هیچ دردی احساس نمی کنیم! اگر ماشینمان گم شود، به پلیس و اداره آگاهی گزارش می دهیم و به همه جا سر می کشیم، شاید ماشینمان را پیدا کنیم؛ اما خودمان و جانمان را گم کرده ایم و از جانمان مهم تر، جانِ جانمان یعنی امام زمان (عج) را گم کرده ایم و هیچ نگران نیستیم!

حضرت عباسی، انصاف بدهیم، امشب که به اینجا آمده ایم، اگر ماشینمان را گم کنیم، خیلی به دنبالش می گردیم یا اینکه پیدا کردن امام زمان (عج) برایمان مهم تر است؟ آقا جان! گرم کردی که امشب آمده ایم. به امیدی آمده ایم؛ تو کریمی و بزرگی! «یا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ»!

انسانی که خودش را بیابد، در می یابد که خودش و اصل وجودش، بدن

۱. ای عزیز! ما و خاندان ما را ناراحتی فراگرفته و با سرمایه ای ناچیز آمده ایم! سوره یوسف، آیه ۸۸

نیست. بدن، لباسی است که تا دم مرگ در اختیار ماست؛ موقع مُردن، این لباس را از ما می‌گیرند: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾^۱؛ خداوند، جانها را به هنگام مرگ می‌گیرد.

بدون لباس ما را می‌برد. الآن چون لباس داریم، نمی‌دانیم چه شکلی داریم؛ شکل آدم داریم؟ شکل مَلَك داریم؟ یا شکل عرشِ خدا را داریم؟ خدا نکند شکل بعضی از موجوداتی را داشته‌باشیم که خودمان هم خجالت بکشیم. ما از پَسِ لباس دیده نمی‌شویم؛ مرگ می‌آید و این لباس را در می‌آورد و آن‌گاه هر کسی خودش را آن‌طور که هست، می‌بیند.

در مقام معرفت‌النفس، اگر انسان در واقعیت خودش دَقّت کند، می‌بیند یکی از چیزهایی که باید به آن توجّه داشته‌باشد، قدرت نطق است: ﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾^۲؛ خدای رحمان، قرآن را تعلیم فرمود؛ انسان را خلق کرد؛ به او بیان آموخت تا شاگردِ خدا بشود و قرآن را یادبگیرد. وقتی قرآن آموخت، زبان ناطقه‌اش باز می‌شود و آیات زیبای قرآن را تلاوت می‌کند. اگر کسی در ذهنش، آیه‌ای نباشد، مطلبی نباشد، محبتی و عداوتی نباشد، صورتی و نقشی نباشد، کلمه‌ای و واژه‌ای نباشد، مفهوم و اصطلاحی نباشد، مطلقاً قدرت حرف‌زدن ندارد.

قرآن در آیه‌ای در مقام توحید افعالی فرموده‌است: ﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ﴾^۳؛ روزی شما در آسمان است؛ روزی شما در زمین

۱. سوره الزمر، آیه ۴۲.

۲. سوره الرحمن، آیات ۱ تا ۴.

۳. سوره الذاریات، آیه ۲۲.

نیست! زمین جای کار است؛ آن کاری که خدا گفته است. اینجا محل ایفای مأموریت است؛ ما مأمورین خدا هستیم؛ خدا ما را آورده و به ما دستورالعمل داده که برای او کار کنیم؛ اما روزی ما در خزینة خداوند است. برای تمام ما که ریزه خوار و نان خور خدا هستیم، پیش خداوند یک حساب مشخصی وجود دارد. هیچ کسی هم در حساب ما نمی تواند دست ببرد. روزی هر کسی نصیب خودش می شود و هیچ کس، روزی دیگری را نمی خورد.

﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ﴾؛ خدا می گوید رزق شما و آن وعده هایی که به شما داده شده، در آسمان است؛ گفتیم دعا کنید، ما هم مستجاب می کنیم! هر چه شما بخواهید، ما از آسمان برایتان نازل می کنیم. در زمین، آفت هست؛ سیل و طوفان هست؛ جنگ و حیوانات درنده هست؛ دزد و غارتگر هست؛ لذا اگر روزی شما در زمین بود، باید غصه می خوردید که با این همه گرگ خطرناک، روزی من چه می شود؟!

اما خدا می گوید روزی تو را پیش خودم نگه داشته ام؛ تو رابطات را با من قطع نکن، در ورودی به محضر من را نبند؛ روزی تو، به تو می رسد. به خاطر نان و روزی، کار حرام نکنیم؛ تقلب نکنیم و دروغ نگوئیم؛ به همدیگر اجحاف و ظلم نکنیم. چرا به خاطر دنیا، این همه گناه می کنیم؟ مگر گناه برای آدم برکت می آورد؟ مگر گناه به آدم زندگی می دهد؟ گناه است که زندگی ما را به آتش کشیده است؛ اگر گناه نمی کردیم، در زندگی برکت و آرامش داشتیم و خوب بودیم! گناه، وضع ما را بد کرده است. این به هم ریختگی، این گرانی، این نابسامانی، به خدا قسم، معلول گناه است.

نگویید چرا کافران این همه گناه می کنند، ولی وضع آنها خوب است؟! چه کسی می گوید وضع آنها خوب است؟ اولاً وضعشان خوب نیست؛ ثانیاً آنها هر چه دارند، همین جا است؛ بعد از این دنیا هیچ چیزی ندارند؛ ولی من و شما می خواهیم به بهشت برویم؛ ما علی (ع) و ائمه (ع) را داریم. خدای متعال برای من و شما حساب خاصی باز کرده است؛ کسی را که دوستش ندارند، رها می کنند؛ اما خدا ما را دوست دارد و رهایمان نمی کند. اگر ما کار بد بکنیم، چوبمان می زند تا دیگر کار بد نکنیم، تا توبه کنیم و وضعمان درست بشود. خدا کافران را رها کرده است تا هر غلطی که می خواهند، بکنند؛ خدا دیگر به آنها کاری ندارد؛ به همین خاطر، شما خودتان را با آنها مقایسه نکنید. اولاً شما از دور قضاوت می کنید؛ آنها هیچ خوشی و آرامشی ندارند. آنها از بچه خودشان لذت نمی برند؛ ولی شما از بچه هایتان لذت می برید. بسیاری از آنها مطمئن نیستند که بچه شان واقعاً بچه خودشان باشد؛ چون محرم و نامحرم ندارند! آنها از زندگی و فامیل خودشان، از معنویت و توسل و این مسائلی که شما دارید، از این لذتها کاملاً بی بهره اند.

ثانیاً آنها همیشه می دوند؛ همیشه هم محتاج هستند؛ مشغله ها و سرگرمی ها آنها را از پا در می آورد. شما وضعتان خیلی بهتر از آنها است؛ اگر غیر از این هم باشد، آنها فقط دنیا را دارند و دیگر آخرتی ندارند؛ لذا چون آخرت ندارند، خدا رهایشان کرده است.

آسمان، مخزن الهی است؛ روزی شما در آنجا است. خداوند این را گفته که ما حواسمان جمع باشد و غصه بیهوده برای روزی نخوریم! بیخودی غصه بچه ات را نخور؛ بچه خودت را به خدا بسپار؛ خودت را هم به خدا بسپار: ﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾.

پس از این آیه، نکته مهمی درباره اثر امام زمان (عج) در عالم است؛ در آیه بعدی می‌فرماید: «فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطُقُونَ»؛ خدا برای اینکه خاطر ما جمع بشود و برای درآمد دزدی نکنیم و رشوه نگیریم و کلاه‌برداری نکنیم، برای ما قسم می‌خورد! برای اینکه ما برای روزی، انواع بدبختی‌ها را برای مردم درست نکنیم و بی‌انصافی و گران‌فروشی نکنیم، برای ما قسم می‌خورد!

خداوند چقدر ما را دوست دارد!! می‌خواهد خاطر ما جمع بشود و نگرانی نداشته باشیم؛ می‌فرماید: «فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»؛ این واو، واو قسم است. «فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطُقُونَ»؛ قسم به آن کسی که مالک آسمان و زمین است؛ صاحب و پروردگار آسمان و زمین است؛ «إِنَّهُ» یعنی این رزق و روزی، «لَحَقٌّ» یعنی مُحَقَّق است، با لام تأکید هم می‌آورد؛ «مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطُقُونَ» مثل آنکه شما حرف می‌زنید! یعنی چه؟ این چه تشبیهی است؟

اگر کمی در مسائل معرفت‌الذات، می‌بینید مخزن وجود انسان، ذهن اوست. ممکن است امروزی‌ها بگویند مغز اوست؛ اسمش را هر چه می‌خواهید، بگذارید.

انسان در وجودش مرکزی دارد که آن مرکز، اگر معلومات داشته‌باشد، انسان می‌تواند حرف بزند و هم صاحب بیان بشود و هم صاحب قلم بشود و کتابها بنویسد.

وقتی انسان حرف می‌زند، خرج می‌کند؛ همهٔ اینها از کجا هزینه می‌شود؟ حرف انسان، درّ و جواهر است؛ حرف انسان، اعتبار وجود اوست. انسان از کجا هزینه می‌کند؟ از مخزنش که ذهن است، هزینه می‌کند.

یک عالم، یک فقیه، یک مرجع تقلید که درس خارج می‌گوید؛ یک حکیم که درس حکمت می‌گوید؛ یک عارف که درس عرفان می‌گوید؛ یک ادیب که صرف و نحو می‌گوید؛ یک انسان ریاضی‌دان که کرسی ریاضی دارد؛ یک شیمی‌دان، یک فیزیک‌دان و یک عالم، اگر علومی را که خدا در درونش نهاده‌است، به قلم بیاورد، تعداد زیادی کتاب می‌شود.

مثلاً علامه مجلسی (أَعْلَى اللَّهِ مَقَامَهُ الشَّرِيفَ) که کتابهای ایشان یک کتابخانه است، این کتابها را از کجا آورده‌است؟ از کجا خرج کرده‌است؟ از درون خودش و از خزینۀ خودش وقتی پیاده کرده، یک کتابخانه کتاب شده‌است.

علامه حلی (ره)، خواجه نصیرالدین طوسی (ره) و شیخ مفید (ره) که این همه آثار برای ما گذاشته‌اند؛ قاضی نورالله شوشتری (ره) که این همه تألیفات دارد؛ مرحوم حاجی نوری (ره) که به او علامه مجلسی چهارم گفته می‌شود؛ علامه شبّر و دیگر علماء به قدری کتاب نوشته‌اند که کتابهایشان، کتابخانه‌ها را پُر کرده‌است. آنچه که اینها خرج کرده‌اند؛ شاگرد تربیت کرده‌اند و هزاران عالم را پرورش داده‌اند؛ قلمشان، زمین و زمان را پُر کرده‌است؛ آیا چیزی از وجودشان کم شد؟ نه، از وجودشان هیچ چیز کم نشد.

خدا این آدم را مثل همان کتابی خلق کرده‌است که عالم از ذهن خودش و از خزانهٔ خودش خرج می‌کند و به صورت کتاب در می‌آورد. خدا تمام عالم وجود را به عنوان کتاب معرفی کرده‌است؛ خدا می‌گوید: ﴿قُلْ لَوْ كَانَ

الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي﴾^۱. خدا چه حرفهایی زده و چه چیزهایی را نوشته است؟ یک قلم از نوشته های خدا، خورشید است؛ یکی، ماه است؛ یکی، ستارگان است؛ یک نوع از نوشته های خدا، ملائکه است؛ عالم عرش است؛ عالم ملکوت است؛ عالم ملک است؛ جن، انسان، گلها، درختها، آبها، دریاها و کوهها، همه اینها، کلمات خدا هستند؛ خدا چنین کتاب به این بزرگی را نوشته است و همه می توانند به آن دسترسی داشته باشند. این کتاب عظیمی را که خدا با قلم قدرتش نوشته است، از کجا خرج کرده است؟

عالم وقتی کتاب می نویسد، از ذهن خودش و از مخزن درون خودش می نویسد. این موجودات عالم، همه بذل و بخشش خداوند است؛ خدا اینها را از کجا خرج کرده است؟

خدا هم خزینه دارد. در آیه ای می گوید: ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾^۲؛ مخزن و خزائن تمام اشیاء و تمام این موجودات، پیش خودمان است و ما روی حساب و به مقدار مشخص نازل می کنیم؛ که یکی، آدم می شود؛ یکی، مرد می شود و دیگری، زن. یکی، ملک می شود؛ یکی، جن می شود؛ یکی، درخت می شود؛ یکی، سنگ و دیگری، خاک؛ یکی، آب می شود؛ یکی، باران می شود و دیگری، ابر می شود؛ تمام اینها نازل شده خزینه خداست.

۱. بگو: اگر دریاها برای [نوشتن] کلمات پروردگرم مرکب شوند، دریاها تمام می شوند قبل از آنکه کلمات پروردگرم تمام شود. سوره الکهف، آیه ۱۰۹.

۲. و هیچ چیزی نیست، مگر اینکه خزائن آن [چیز] در نزد ماست و آن را جز به اندازه معین نازل نمی کنیم. سوره الحجر، آیه ۲۱.

آنچه خدا به عنوان خزائن مطرح می‌کند، در زبان قرآن و عرفان، ولایت مطلقه است. آن خزینه‌ای که عالم از آن خزینه خرج می‌شود و تمام هم نمی‌شود، مثل خزینه حرف زدن من و شماست؛ حرف زدن، علم ما را تمام نمی‌کند. خدا هم یک خزینه‌ای دارد که آن خزینه تمام نمی‌شود؛ آن خزینه چیست؟ آن خزینه، امامت و ولایت است. حالا کیفیت ارتباط خودت با آقا جانان را دانستی؟

علامه مجلسی (ره) با کتابش چه ارتباطی دارد؟ این کتاب، همانی است که در ذهن علامه است؛ اگر علامه ننوشته بود، این کتاب هم نبود؛ از آن خزینه آمده و این کتاب شده است.

تمام اشیاء و موجودات عالم از وجود نازنین امام زمان (عج) ناشی شده است؛ این امام زمان (عج)، خزینه خداست. امام زمان (عج)، یکی از برکات جهان شمولی است که خداوند متعال، عالم برزخ و بهشت و تمام عوالم را از این خزینه‌اش خرج کرده است و خزینه هم، دست نخورده باقی مانده است.

وقتی ملا محمدتقی مجلسی (ره)، معروف به علامه مجلسی اول، در سامراء، در کنار قبر عسکریین (ع)، امام زمان (عج) را دید، به وجد آمد و سر از پا نمی‌شناخت؛ بلبل زبانی می‌کرد و فرازهای زیارت جامعه کبیره را با صدای بلند و قشنگ و با چه آهنگ زیبایی خدمت امام زمان (عج) می‌خواند؛ وقتی تمام کرد، آقا جانان ما فرمودند: «تَقَدَّمْ»؛ بفرما!

شما هم به خانه آقایت آمده‌ای؛ خوش آمده‌ای؛ مهمان حضرت هستی؛ آقا دعوت کرده؛ شما هم، یک زیارت در حضور آقا جانان بخوانید، شاید آقا به شما هم بگوید: «تَقَدَّمْ»؛ بیا جلو! به علامه مجلسی (ره) فرمود: «تَقَدَّمْ»؛ بعد فرمود: «نِعْمَتِ الزِّيَارَةِ»؛ خوب زیارتی است، زیارت جامعه کبیره.

زیارت جامعه کبیره، همه امامان ما را یک حقیقت معرفی می‌کند: «أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ»؛ همانا روحهای شما و نور شما و طینت شما، واحد است؛ اینها یک حقیقت هستند؛ یک خزینه از خزائن الهی هستند؛ اما جلوه‌های مختلف هستند، آیینه‌ها و نموده‌های مختلف هستند؛ وگرنه یک حقیقت هستند؛ نه کم می‌شوند و نه زیاد.

انبیاء از این خزینه استفاده کردند؛ اولیاء الهی از این خزینه برگرفتند؛ اشقیاء هم از این خزینه برگرفتند. تمام موجودات عالم، همه جلوه‌های حضرت مهدی (عج) هستند؛ همه پیاده‌شده‌های این خزینه هستند؛ همه حرف هستند و همه این کلمات و کتابات معین شده، همه از آن روح و آن علم و آن وجود نازنین امام زمان (روحی فدا) پیاده شده‌است.

این یک حقیقت عالی عرفانی است که اگر شما متوجه بشوید که هستید، آن وقت وابستگی دائمی خود را به امام زمان (عج) درک خواهید کرد. دل پاک می‌خواهد که این حرفها را متوجه بشود؛ به علم نیست؛ به نورانیت است. متوجه خواهید شد که دم به دم، وجود ما تازه می‌شود؛ هر لحظه، ما یک حرف از حروف خدا هستیم؛ دائماً خداوند حرف می‌زند و از این خزینه هم حرف می‌زند.

ما دائماً از خدا وجود می‌گیریم؛ دائماً از وجود امام زمان (عج) خیر و برکت دریافت می‌کنیم. اگر می‌بینیم، به اذن امام زمان (عج) می‌بینیم؛ اگر می‌شنویم، به اذن امام زمان (عج) می‌شنویم؛ اگر قیام می‌کنیم، با نیروی امام

۱. شیخ صدوق؛ مَنْ لَا يَخْضُرُهُ الْفَقِيه، ج ۲، ص ۶۱۳

زمان (عج) قیام می‌کنیم؛ اگر می‌نشینیم، با نیروی امام زمان (عج) می‌نشینیم؛ لذا انفکاک بین انسان و انسان کامل که حضرت حجّت (ارواحنا فداه) است، یک لحظه هم مُحال است.

امام زمان (عج) از هیچ موجودی جدایی ندارد؛ لذا فرمود: «وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»؛ این آیه‌ای است که در ابتدای صحبت‌م عرض کردم. خداوند متعال، زمین را به نور ربّ روشن کرد. این نور ربّی که تمام زمین، تحت‌الشعاع و در پرتو آن است، ائمه (علیهم السلام) فرموده‌اند که این نور، وجود نازنین امام عصر (عج) است.

برکات زمین به دست امام زمان (عج) است. تأثیر و تأثر در فعل و انفعالات همهٔ امور زمین، همه با عنایت امام زمان (عج) است. لذا شما در همین زیارت شریفهٔ جامعهٔ کبیره می‌گویید:

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنْفِسُ اللَّهُمَّ وَ يَكْشِفُ الضُّرَّ»؛ خدا [عالم وجود] را با شما آغاز کرد و با شما به پایان می‌برد و به وجود شما، باران را نازل می‌کند و به خاطر شما، آسمان را از اینکه بر زمین فرو بیفتد، نگه‌می‌دارد و به وجود شما، غم و اندوه را می‌گشاید و سختی و گرفتاری را برطرف می‌کند.

اگر کسی دلش گرفته باشد، آن دکتری که می‌تواند دل او را بگشاید، وجود نازنین امام زمان (عج) است: «بِكُمْ يُنْفِسُ اللَّهُمَّ وَ يَكْشِفُ الضُّرَّ»؛ هم و

۱. و [در آن روز] زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود. سوره الزمر، آیه ۶۹

۲. شیخ صدوق؛ مَنْ لَا يَخْضُرُهُ الْفَقِيهَةُ، ج ۲، ص ۶۱۵

غم به وجود نازنین حضرت (عج) زدوده می‌شود و پرده‌های ضخیم مشکلات که بین ما و مقصد ما حائل است و نمی‌گذارد ما به آرزویمان برسیم، با عنایت وجود نازنین امام زمان (ارواحنا فداء) برطرف می‌شود.

از مجموعه این مطالب، مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی (ره)، این عبارت را برداشت کرده و می‌گوید: «يُؤْتِيهِمُ الرِّزْقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»؛ «الْوَرَى» یعنی «ما سِوَى اللَّهِ»؛ تمام موجودات غیر از خدا، به یمن وجود امام زمان (عج) روزی داده می‌شوند؛ یعنی عالم امکان، سفره وجود امام عصر (عج) است.

او کل است؛ این سفره که باز شد، رشحات وجودش، زمین و زمان است و علی الدوام، متعلق به وجود نازنین حضرت حجت (ارواحنا فداء) است. هر نفسی که می‌کشی، به امام زمان (عج) وابسته هستی؛ هر بازدمی که داری، به امام زمان (عج) وابسته هستی. وجود ما هم در بُعد ظاهری و هم در بُعد معنوی و روحی، در تمام لحظات وابسته به اوست.

وقتی که ما به یاد خدا هستیم؛ نماز که می‌خوانیم؛ سفره نماز ما را امام زمان (عج) پهن می‌کند. جمکران که آمدید، به وجود خودش قسم، ایشان عنایت داشته‌است؛ وگرنه کسی بدون عنایت حضرت، اهل جمکران نیست. بعضی‌ها اصلاً اعتقاد به جمکران ندارند؛ امام زمان (عج) این در را اصلاً به رویشان باز نمی‌کند؛ اما شماها توفیق پیدا کرده‌اید و به اینجا می‌آیید.

کسی از حضرت آیت‌الله بهجت (حَفَظَهُ اللَّهُ) سؤال کرد: «أَقَالَ إِنْ سَنَدَ مَسْجِدَ جَمَكْرَانَ دَرَسْتَ اسْتِ؟ اَيْنَكَمْ مِي كَوِينَد دَر يَكْ خَوَاب بُوْدَه اسْتِ!؟»

حضرت آیت‌الله بهجت (حَفَظَهُ اللَّهُ) فرمودند: «أَوَّلًا خَوَاب نَبُوْدَه اسْتِ؛ بَلَكَمْ دَر بِيْدَارِي، حَسَنٌ مَثَلُهُ جَمَكْرَانِي أَمَدٌ وَ عَلَائِمِي رَا كَهْ إِمَامَ زَمَانِ (عَج)

علامت گذاری کرده بودند، دید و با حضرت حرف زد. ثانیاً این قدر در این مسجد جمکران، شفاها حاصل شده و حاجتها روا شده و ملاقاتها با امام زمان (عج) واقع شده که از حد تواتر هم گذشته است.»

وجود نازنین امام زمان (أرواحنا فداء) همه درهای توفیق را باز می کند: «يُؤْمِنُهُ رِزْقَ الْوَرَى»؛ هم رزق ظاهری ما و هم رزق معنوی و باطنی ما، به یمن قدوم امام عصر (أرواحنا فداء) است.

«وَبُجُودِهِ ثَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»؛ به وجود امام زمان (عج)، آسمان و زمین تثبیت می شود. «وَجُودُهُ لُطْفٌ»؛ وجود امام زمان (عج)، لطف خداست. اگر امام زمان (عج) نبود، هیچ موجود دیگری نبود. این لطف الهی است که به وجود آمده است و این وجود نازنینی که منشأ تمام موجودات است، وجود حضرت امام زمان (عج) است: «وَجُودُهُ لُطْفٌ وَ تَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخِرٌ».

نکته بعدی، تصرفات ولایی امام زمان (عج) است. بچه من که مریض می شود، دست به دامان خدا می شوم و می گویم: «خدایا! از تو شفایش را می خواهم.» ما دعا می کنیم، ما خیرخواهی و دلسوزی می کنیم؛ ولی کاری از ما ساخته نیست. خیلی ها گرفتار هستند و اینجا آمده اند و در می زنند. آیا می شود امشب در به روی همه ما باز باشد و هیچ کدام از میهمان های امام زمان (عج) امشب دست خالی برنگردند؟

در گرفتاری ها، کاری از ما ساخته نیست؛ وجود ما اثری ندارد؛ از ما گدایی کردن و دعا کردن است؛ از ما گریه کردن و التماس کردن است؛ از ما خواهش کردن و خود را به در آستان حضرت مهدی (عج) انداختن است.

بیش از این، کاری از ما ساخته نیست؛ ما وجودمان انفعال و تأثیرپذیری است؛ وجود ما گریه و فقر و گدایی است؛ ما در عالم امکان، تأثیرگذار

نیستیم؛ می‌خواهیم، اما نمی‌شود!

در حدیث قدسی فرمود: «يَا ابْنَ آدَمَ اَنَا اَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ اَطْعَمَنِي فَيَمَّا اَمْرُكَ اَجْعَلْكَ تَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ»؛ به ما هم این دستور را داده‌اند که اگر ما ذوب در امام زمان (عج) بشویم و مجذوب جذبه‌های ولایی او بشویم و قطره وجودمان را به دریای وجود امام زمان (عج) متصل کنیم، آن‌گاه ما هم در کُرسی «كُنْ فَيَكُونُ» قرار می‌گیریم.

مرحوم شیخ حسن علی نخودکی اصفهانی (ره) یکی از نوچه‌های حضرت ولی‌الله الأعظم، امام زمان (ارواحنا فداه) است. ایشان کنار بستر مریضی که در تب داشت می‌سوخت و لحظه احتضارش بود، نشست و به تب خطاب کرد و گفت: «برو بیرون!»

در جا، مریض خوب شد و بدون تب نشست! به او گفتند: «شیخ! تو این قدرت را از کجا به دست آوردی که به تب امر می‌کنی و آن هم از تو اطاعت می‌کند؟!» گفت: «عمری به مولایم صاحب‌الزمان (عج) خیانت نکردم؛ آدمی که در دستگاه امام زمان (عج) نوکری‌اش خوب باشد، حضرت یک نگاه می‌کند و او را جذب وجود خودش می‌کند؛ آن‌گاه وقتی نگاه می‌کند، نگاه خودش نیست؛ بلکه، نگاه مولایش است.»

یک قطره، نه تشنه را سیراب می‌کند، نه درختی را سیراب می‌کند و نه گلی را می‌رویاند و نه جایی را آباد می‌کند. آدمی وقتی وجودش یک قطره باشد، یک قطره که کاری نمی‌کند؛ اما این یک قطره، وقتی به دریا ریخت

۱. ای فرزند آدم! من [خدایی هستم که] به هر چیز می‌گویم بشو، می‌شود؛ در آنچه تو را امر کرده‌ام، مرا اطاعت کن تا تو را چنان قرار دهم که به هر چیز بگوئی بشو، بشود. دیلمی؛ إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۷۵.

و جزء دریا شد، حالا که دریا شده، کارخانه‌های برق را راه می‌اندازد، کشتی‌ها را حرکت می‌دهد و این همه موجودات را در دل خودش روزی می‌دهد.

اینکه خداوند فرمود: «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»^۱، چون عشق است که آدم را با معشوق یکی می‌کند؛ وقتی عاشق امام زمان (عج) بشوی و در به در و کوه به کوه، دنبال آقا جانان سرگردان باشی و به عشق دیدارش به جمکران بیایی، اگر دلت واقعاً «یا صاحب الزمان» بگویی و با حضرت جوش بخورد، شما هم مثل شیخ حسن علی نخودکی اصفهانی (ره) می‌شوی؛ شما هم می‌توانی مثل ملا حبیب‌الله گلپایگانی (ره) بشوی.

مرحوم شیخ حسن علی نخودکی (ره) تنها قدرت شفا دادن نداشته؛ بلکه در موجودات تصرف می‌کرده است؛ به موریانه‌ها امر می‌کرده که بروند، موریانه‌ها از آن محیط خارج می‌شده‌اند؛ از اسرار مردم، اطلاعاتی می‌داده که دیگران خبر نداشته‌اند؛ چرا؟! برای اینکه شیخ حسن علی (ره) خودش را شسته بوده؛ با چه؟ با عشق و محبت: «لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ».

جمکران آمدن علاوه بر اینکه گدایی است، علاوه بر اینکه مراجعه به طبیب است، علاوه بر اینکه دیدار است، جلوه محبت هم هست. ما باید جایی را پیدا کنیم که جای پای امام زمان ما باشد؛ اینجا حضرت (عج) قدم گذاشته‌اند.

۱. بگو: من از شما برای این [رسالت] مزد و پاداشی درخواست نمی‌کنم، مگر دوست داشتن نزدیکان [و اهل بیتم]. سوره الشوری، آیه ۲۳.

خیلی از جوانهای ما مرحوم آیت‌الله آسیدحسین قاضی(ره) را ندیده‌اند. حیف که آن روزها ما معرفت پیدا نکردیم و ایشان از دست ما رفت. ایشان، صاحب باطن بود؛ اهل شفا بود؛ اهل کرامت و اهل نظر بود. اخوی ایشان از قول آسیدحسین(ره) نقل کرده‌است که ایشان گفت: «به جمکران رفته بودم. عده‌ای از ابن‌بابویه آمدند؛ روضه‌ای در آنجا خوانده‌شد. امام زمان(عج) در جلسه روضه شرکت کرده‌بود. همه گریه کردند؛ آقا هم گریه می‌کردند. وقتی روضه‌خوان، روضه‌اش را تمام کرد، حضرت فرمودند: «طَيِّبَ اللهُ». من نگاهی به آن روضه‌خوان کردم و گفتم که این «طَيِّبَ اللهُ» برای شما به تنهایی نیست؛ بلکه برای همه ما است.»

امام زمان! ما بخیل نیستیم؛ آقا! من بد هستم؛ یک «طَيِّبَ اللهُ» به همه ما بگو؛ ما استحقاق نداریم؛ اما ﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلْنَا الضَّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا﴾^۱.

نظر امام زمان(ارواحنا فداء)، تصرف ولایی است و در تکوین اثر می‌گذارد. مریض سرطانی را بدون داروهای شیمیایی و بدون شیمی‌درمانی که این همه عوارض دارد، درمان می‌کند. اگر مولا یک نگاه بکند، مریض سرطانی بدون عارضه خوب می‌شود و مویش هم نمی‌ریزد و بدنش هم ضعیف و نحیف نمی‌شود؛ چون نگاه مولا، تصرف در تکوین است. جوان گنهکاری که چشمش ناپاک بوده؛ وجودش آلوده بوده، یک مرتبه تکان می‌خورد و می‌گوید بروم جمکران توبه کنم.

۱. ای عزیز! ما و خاندان ما را ناراحتی فراگرفته و با سرمایه‌ای ناچیز آمده‌ایم! پس پیمانۀ را برای ما کامل کن و بر ما تصدق کن و بیخشای. سورة یوسف، آیه ۸۸

این مطلب، ریشه قرآنی هم دارد: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا»^۱؛ به پیغمبر می‌گوید به کمی عمل اینها نگاه‌نکن؛ «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً»؛ چیزی که اینها در خور خودشان دارند؛ ران ملخی که به شما تقدیم می‌کند، پیغمبر من! اینها را ردّ نکن و با اینها سختگیری نکن؛ اینها بیش از این دارایی ندارند. برگ سبزی است تحفه درویش، آقا جان خودم! اربابم! امید من! طیب من!

برگ سبزی است تحفه درویش

چه کند بینوا ندارد بیش

ما پنج نوع صدقه داریم که یکی از آنها صدقه مالی است؛ «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ»^۲؛ هر کار خیری، صدقه است. آقا جان! حضرت سلیمان(ع) ران ملخ را از مورچه قبول می‌کند؛ اما من ران ملخ هم ندارم؛ من شرمندگی‌ام را آورده‌ام.

«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ»؛ تو این کم را از اینها قبول کن. این بهانه‌ای می‌شود که تو اینها را پاک کنی!

هیچ کس نمی‌تواند خودش، خودش را پاک بکند. امام زمان(عج) باید نگاهی به دل ما بکند تا پاک بشود؛ به تعبیر آیت‌الله بهاء‌الدینی(اعلی الله مقامه و روحی لتراب قبره الفداء) مبدأ میل را باید عوض بکنند. مبدأ میل که در اختیار من نیست؛ من هم دلم می‌خواهد که خیلی‌ها را دوست نداشته باشم؛

۱. از اموال آنها صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن، آنها را پاک کنی و آنها را پرورش دهی. سوره التوبه،

آیه ۱۰۳.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۲۶.

ولی اختیاری نیست.

دیشب در مشهد، خانمی آمد و عبايم را گرفت و بوسید و گفت: «شوهرم طلاقم داده؛ ولی دعاکن یا به من برگردد، یا این محبتش از دلم خارج شود؛ هر چند به من ظلم کرده؛ ولی دلم پیش اوست!» اختیار دل که دست آدم نیست؛ آدم که نمی‌تواند دل خودش را عوض بکند.

این آیه خیلی دقیق است؛ آیه ولایت است. امام (ع)، روح کلی عالم است و از جانب خدا مأذون است که در عالم تصرف تکوینی بکند: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ

صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ﴾^۱؛ تو اینها را پاک می‌کنی؛ خودشان پاک نمی‌شوند!

ما می‌خواهیم پاک زندگی کنیم، توبه هم می‌کنیم؛ ولی دوباره گرفتار و آلوده می‌شویم. اوست که این دلِ گل من را طلا می‌کند: ﴿تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾^۲؛ تو پاکشان می‌کنی و تو آنها را تزکیه می‌کنی و به آنها رشد و نمو می‌دهی.

آنها را شجره طیبه می‌کنی تا سرشان از عرش بالا بیاید و نور الهی بشوند و مثل ستارگان عرش الهی، مقام عند ربهم پیداکنند. هر کسی در باب خوبی، بندگی، طهارت، توبه و امور خیر، به جایی می‌رسد، به واسطه این نگاه ولائی است. دیدید که این مطلب، ریشه قرآنی هم دارد.

بنابراین، وجود مبارک حضرت حجت (ارواحنا فداه)، علاوه بر اینکه یمن قدومشان، همه عالم و همه انسانها را اداره می‌کند، برای معراج دل‌های اهل دل، این کم‌ها را از ما قبول می‌کند و سلیمان‌وار از کرامت بارگاه

۱. سوره التوبة، آیه ۱۰۳.

۲. همان.

سلیمانی اش به همه خاتم بخشی می کند.

برو ای گدای مسکین، در خانه علی زن

که نگین پادشاهی، دهد از گرم گدا را

امام عصر (أرواحنا فداء) جامع همه حقائق گذشتگان است؛ هر سخاوتی، هر

جوودی، هر کرامتی و هر معجزه‌ای که انبیاء و اوصیاء گذشته داشته‌اند، همه

را یک جا به امام زمان ما داده‌اند:

آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری!

عرایضم را بیش از این، طول نمی‌دهم. خواستم نقش امام زمان (عج)

را در عالم تکوین و در عالم تشریح بیان کنم تا متشرعان و متدینان عزیز،

همه حواسشان جمع باشد؛ اگر بخواهند دگرگون و منقلب بشوند، وجودشان

عرشی بشود، تمام ردائشان از بین برود و بر تمام خلافهایشان خط بطلان

کشیده بشود و از اینجا به بعد، پرونده‌شان پاک پاک بشود، باید از حضرت (عج)

مدد بجویند: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾^۱.

آمده‌اید بگویند: امام زمان! ما هم می‌خواهیم جزء مشتری‌هایتان باشیم؛

نه کلافی داریم برای اینکه عرضه کنیم و به یوسف (ع) برسیم و نه ران ملخی

داریم؛ فقط شرمندگی داریم؛ ما مثل بچه‌های یعقوب (ع) عرضه می‌داریم:

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلْنَا الضَّرُّ وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ

وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا﴾^۱.

۱. از اموال آنها صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن، آنها را پاک کنی و آنها را پرورش دهی. سوره التوبة،

آیه ۱۰۳.

۲. ای عزیز! ما و خاندان ما را ناراحتی فراگرفته و با سرمایه‌ای ناچیز آمده‌ایم! پس پیمانۀ ما را برای ما

کامل کن و بر ما تصدق کن و ببخشای. سوره یوسف، آیه ۸۸.

شب آخر این مجلس نورانی است. در هفته مهدویت، بحمدالله علماء و بزرگان و مراجع تقلید، همه مفتخر بودند که آمدند و ریزه‌خوار سفره حضرت مهدی (عج) بودند؛ در خانه حضرت مهدی (عج) در مسجد جمکران، فیض گرفتند و با شما صفا کردند. شب آخر هم کاسه‌لیسی را به من دادند. حالا که کاسه‌لیس هشتم و شب هم، شب آخر است، می‌خواهم گوشه چادر مادرش را بگیرم.

گویا مادرشان هم کربلا هستند؛ همراه مادرشان به عمو جانش هم التماس می‌کنیم. امام زمان (عج) هم به مادرشان حضرت زهرا (س) حساسیت دارد و هم به عموجانشان حضرت ابوالفضل (ع).

مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسین کمپانی (ره)، استاد علامه طباطبائی (ره) و استاد آیت‌الله بهجت (حفظه الله)، آن مرجع و آن محقق، اگر بعضی از مسائل را نمی‌گفت، می‌گفتیم از کجا نقل می‌کنند؛ ولی قطعی است که ایشان می‌گویند:

«و جاووزوا الحد باللطم بالحد»؛ بی‌حیایی را از حد گذراندند و به صورت فاطمه (س) سیلی زدند.

من برای این مصیبت، حتی از شکستن پهلو، بیشتر ناراحتم؛ بی‌بی پهلویشان مشکل داشت؛ بی‌بی بازویشان مشکل داشت؛ بی‌بی جای جای بدنشان جای تازیانه بود؛ شاهد این مطلب هم وصیت‌نامه‌شان است؛ به امیرالمؤمنین (ع) می‌گویند: «علی! من را شب غسل بده؛ علی! من را برهنه‌نکن؛ از زیر لباس غسل بده!» اما هیچ‌کدام مثل سیلی خوردن بی‌بی نیست؛ آدم نمی‌تواند تحمل کند، آخر نامرد! تو نامحرمی و بی‌بی، ناموس خداست!

«لا یومَ کیومک یا ابا عبد الله»؛ بی بی! گوشه چشمت کبود بود؛ اما یک نگاهی به عباست بکن! تو در راه دفاع از علی و ولایت، پرچمدار و علمدار شدی؛ اما کنار نهر علقمه، ابی عبدالله (ع) آمد و بدنی را دید که دست ندارد. از سید بحر العلوم (ره) سؤال می کنند: «چه شد که امام حسین (ع) همه شهدا را آورد؛ ولی علمدارش را نیاورد و میان دشمن گذاشت؟»

آقا جان! برای شما روضه می خوانم؛ آقا! باورم می آید که گریه کننده ها با شما دارند گریه می کنند. سید بحر العلوم (ره) این قدر گریه کرد تا از هوش رفت؛ گفت: «مگر نمی دانید که عمویم دست نداشت تا از خودش دفاع کند. دشمن، بدن عباس (ع) را به غنیمت گرفت و قطعه قطعه کرد. ابی عبدالله (ع) وقتی کنار بدن نشست و زیر بدن دست برد تا آن را حمل کند، از هر جا خواست بلند کند، دید بدن متلاشی شده است.»

علی اکبر (ع) هم بدنش متلاشی بود؛ ولی امام حسین (ع) تنها نبود؛ صدا زد جوان ها بیایید. اما کنار نهر علقمه که آمد، دیگر جوان نداشت.

«لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ؛ أَلَا لَعْنَةُ اللّهِ عَلَى الْقَوْمِ الظّالِمِیْنَ. نَسْئَلُكَ وَ نَدْعُوكَ ...»

امشب، شب جمعه است و امشب یک خبرهایی است؛ دلتان هم گواهی می دهد که یک خبرهایی است.

خدایا! به عصمت حضرت زهرا (س)، خدایا! به پهلوی حضرت زهرا (س)، به صورت کبود حضرت زهرا (س) تو را قسم می دهیم که امام زمان (عج) را برسان؛ استقرار دولت جهانی اش را آسان کن؛ ما را در مسیر ظهورش

ثابت قدم کن.

امشب همه ما را به عنایات خاصه حضرت مهدی (عج) نائل کن؛ به عمو
جانش باب الحوائج (ع) قَسَمَت می دهیم که دیدار جمال شریفش را نصیب ما
بگردان.

جوانهای کشور ما را از آفتها حفظ کن؛ دولت ما را در رفع مشکلات
یاری فرما.

وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ